

حمله های شئون‌نیستهای قدرت طلب فارس علیه اعلامیه مشترک حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله!!

مدتیست که مرتجعین؛ شوئن‌نیست‌ها، خوفاو نوکران و دست بوسانی که وحشت از دست دادن جیره هیشان، یا بسته شدن صدا و تصویرشان هستند به بدترین نوع ممکن به دو حزب کردی که بهترین فرزندان خود را در راه آزادی و دموکراسی مردم کردستان و ایران فدا کرده‌اند از طریق رسانه‌های مختلف به مردم کورد می‌تازاند و به حقیقت و به معنای واقعی کلمه نه تنها در صف خونخواران رژیم فاسد و جنایتکار اسلا می ایران قرار گرفته‌اند بلکه روی این جنایتکاران قرون وستایی را سفید کرده‌اند و از آنها سبقت گرفته‌اند!!!! این نوشته کوتاه درد دل یک کرد که مرا به کرات آزرده کرده به و دفعات بسیار به خنده آورده.... این نوشته نه نگاه سیاسی، نه ایدولوژیک، نه ژئوپلیتیک و نه ناسیونالیسی است، بلکه تنها آزرده‌گی و بیزاری از آنچه که بهترین دوران زندگی را در زیر چتر و محور ((دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان ایران)) سپری کردم و چه‌ها دوستان و عزیزانم که خود را فدای آزادی و بهتر زیستن مردم سرزمینم کردن، از دست دادم، چه‌ها عزیزانم، هم‌وطنانم، هم‌زبانانم که هم اکنون به زندگی پر رنج و محنت و مشقت‌بار، در جای جای این جهان پهناور به زندگی ادامه می‌دهند به امید این که روزی آزادی مردمشان را شاهد باشند، عده‌ای با از دست دادن بینایی خود، عده‌ای با از دست دادن پای‌های خود، عده‌ای با از دست دادن دست‌ها، عده‌ای که زمین گیر و با صندلی چرخ دار زندگی را سپری می‌کنند و آنهایی که هنوز در سیاه‌چاله‌های رژیم جنایتکار اسلا می زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های قرون وستایی قرار دارند، نوشتن و گفتن از اینها آسان به نظر می‌آید، ولی هرگز و هرگز نمیتوان درک واقعی از زندگی این قهرمانان کردستان نمود، حتی تصورش هم ممکن نیست تا زمانی که خود به آن دچار نشده باشی...!!! من از تاریخ چیزی نمیدونم، و در نوشتن این چند سطر هم نمی‌گنجد. شئون‌نیست بودن قدرتهای حاکم ایران را نشان داد؛ ضدانسان بودن؛ بی‌خرد بودن؛ نه رنگ می‌شناسد و نه به داشتن ریش و پشم و نه به داشتن کراوت و نه به عبا و نعل است، بی‌خردی و ابله‌گی و نادانی را در همه جا و در هر رنگی را می‌توان دید، ولی عده‌ای از این ابلهان را تنها در شرایط خاص اجتماعی، سیاسی به مانند مورچه‌گان سرخ و سیاه که از لاله‌هاشان به در می‌آیند می‌شود دید!! دروست بعد از انقلاب ۲۲ بهمن؛ که خیلی زود به یغما رفت!! کردها در تمامی قشر و طبقات جامعه که در این انقلاب شرکت کرده بودند و حتی به شاهد تاریخ خیلی بیشتر و زودتر از دیگر مردمان این سرزمین برای پیروزی این انقلاب جانفشانی کرده و هدینه کرده بودند و به حق در انتظار رسیدن به آرزوهای دیرین؛ ملی

دمکراتیک خود را بدست آورده و در صلح و آزادی با دیگر مردم این سرزمین آینده‌ای بهتر برای همه و فرزندان خود فراهم آورده و از زیر چکمه‌های زضا قلدور و رضای عاری از مهر؛ اریامهری رهایی یافته ولی دیری نپائید که این ارزوها زیر چکمه‌های شئونستی رنگارنگ فارس در لباسهای گوناگون به شدترین نوع ممکن چه از نظرسانتاژهای سیاسی و چه از نظر نضامی که با تحمیل نابرابرترین جنگ ممکن این مردم تشنه آزادی را سرکوب کردند و آنچه به دروستی و بدون اغراق می توان این سرکوب را نسل کشی مردم کرد نامید که متأسفانه هرگز سخنی از آن گفته و نوشته نشد. در اینجا اجباراً باید خیلی نگاهی زود گذر به دوران بعد از ۲۲ بهمن نمود!! همچنان که همه میدانید خمینی بعد از به دست گرفتن قدرت به تمام خواسته‌های مردم با نعل لعنتی خود و زیر عبای ۱۳همین امام شیعه‌یان و حقاً با زرنگی کامل؛ البته با کمک کامل (شئونستهای فارس) شروع به سرکوب مردم نمود. بعد از چندی بدون اینکه هیچ گروه یا شخصیتی فرصت به میان بردن خواسته‌هایی که مردم برایشان هدینه داده بودن به میان مردم ببرند دستوری انتخابات داد. در این بهبهه تا انجایی که من بدانم تنها حزبی که تشلیلتی داشت و این انتخابات را رسماً و کتباً تحریم نمود، حزب دمکرات کردستان ایران بود و این هم به این دلیل ساده اما خیلی مهم که محتوای جمهوری اسلا می برایشان نامشخص و نا معلوم و ناشناخته بود البته در همان زمان زنان مبارز و روشنفکر که صدای پای استبداد دیگری را با لباس دیگری را شنیده بودن در صف این بایکوت قرار گرفتند ولی متأسفانه بدون مبارزات تشکیلاتی (ارثیه‌یی عاری از مهر رژیم سابق)!!! که خیلی وحشیانه سرکوب شدند، ناگفته نماند که حقیقتاً این زنان مبارز حتی از طرف کسانی و گروهایی که در خود انقلاب شرکت داشتند تنها مانند و از طرف خود این مدعان آزادی، دمکراسی، برابری، برای سرکوب آنها به خون خواران تازه به قدرت رسیده کمک کردند به این دلیل واهی که مبدا امریکادوباره برگردد.. در این مدت اتفاقاتی اینجا و آنجا و حوادثی به وقوع پیوست که در چنین لحضات تاریخی اجتناب ناپزیر است *

در میان ان فضای انقلابی و وحشت از نظامیان که گویا ۵مین ارتش جهان به شمار میرفت (البته در برابر مردم بی دفاع خودش) چون گویا ژنرال هویزر به تنهایی به تهران آمده ان هم بدون اجازه و یا حتی در جریان بودن رژیم وارث دو هزار و پانصد ساله شاهشاهی، و این پنجمین ارتش دنیا رابه تنهایی خلع صلاح کرده و تقدیم به خمینی کرده!!! نوکری شاه رانشان می دهند!!! منبع: همایونهای نوکرو دست بوس شاه شاهان

، در تلویزون ابلهان کانال ۱. شروع سرکوب بی رحمانه رژیم و دادن فتوای جهاد مقدس از طرف و به دست شیعه شئونست فارسی علیه مردم کردستان، در این حمله نابرابر به هر سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی دستور قتل و عام مردم کرد داده شد ۰۰ البته رهبر عالی قدر جهان شیعه شئونستی فارس بعد از چندی فهمید که کوردستان فاقد آب راه آزاد است و نیروی دریایی در کردستان گیر میکند!!!! ولی حقیقتاً از هیچ جنایتی دریغ نکردند و چنین بود که مردم کردستان از پیر و جوان از زن و مرد دست به دفاع از آزادی، ناموس و

موجودیت خود نمودند و قهرمانانه در برابر این جنگ نابرابر و تحمیلی ایستاده‌گی کردن، من از گفتن حماسه‌ها که در این جنگ مردم کرد از خود نشان دادن عاجز هستم و جای بحس من هم نیست و حقیقتاً از به‌قلم در آوردن آنها عاجز میباشم حداقل برای قلم بی رنگ من چون به گفته‌ی ایت الله و دست پرورده و اجیر شده‌ی محسن رضایی این قصاب مردم کردستان،، مانند قانعی فرد نه دارای دکترای میباشم نه به زبان انگلیسی و فارسی تسلط چندانی دارم، ولی اگر آقای قانعی فرد در تی وی اندیشه (ابلهان) نسراید شئونیسیم دیگر معنایی ندارد. توضیح خواهم داد. بله در همان اوایل جنگ تحمیلی گروهی از جوانان کردستان که اکثراً تحصیل کرده و باور عمیقی و کاملاً صادقانه به سوسیالیسم و انقلاب داشتند (با درک و دید خود) شکل گرفته بود و در این جنگ تحمیلی شجاعانه شرکت کردند و اعضا و هواداران زیادی را تقدیم آزادی کردستان نمودند، این جوانان شجاع و دلیر در یک سازمان خود را متشکل کرده و اسم (سازمان زحمتکشان کردستان ایران،، کومله؛) بر خود گذاشتند. در همان مقطع سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هم در کردستان وجود داشتند که از نظر سیاسی بسیار نزدیک بودند. در این مدت که این جنگ تحمیلی در جریان بود حداقل خودم شاهد چند اتفاق در نقاط شهرهای و روستاهای کردستان بودم، چون من نه دارای دینی می باشم، نه الهی دارم، نه کوروش و داریوشی و نه خاک نامقدس اریایی که به آن سوگند یاد کنم!!! اجازه می‌خواهم که به انسان و انسانیت خودم و به آزادی انسانها که به آن باور عمیق دارم؛ سوگند یاد کنم آنچه نوشته شده عین واقعیت است هر چند زیاد مهم نیستند کسی باور کند یا نه؛ ولی برای کسانی که از وضعیت آن دوران زیاد نمیدانند زورویی می دانم. ولی برای کسانی که دارای رسانه‌های دیداری و شنیداری در پایتختهای اروپایی و لوسانجلسی به مانند پیروان مکتب شیعه شنیستی فارس به سینه زنی/قمه زنی /و زنجیرزنی برای کاری بس نابه خردانه که آن هم ۱۴۰۰ سال قبل، تازه کسی هم نمیداند که واقعیت دارد یا نه! سینه زنان و گیره‌کنان داد تجذیه ایران را به گوش کوروش و داریوش رسانده و مواضع خواب خوش آنها می شوند!!! این دو رابطه کاملاً مستقیم و علمی با هم دارند. حال برگردیم به سطر اول

۱..... من خودم هرگز مستقیماً در جنگ حضور نداشتم

۲.... در مدت جنگ اول و آنچه به جنگ سه ماهه شهرت دارد، به دفعات جوانان اسیر شده که از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق برخوردارم که با باوری انقلابی ولی فریب و گول خورده راهی کوردستان شده بودند و باور مندانه برای دفاع از انقلاب ۲۲ بهمن، و اکثر آنها نه کلمه خودمختاری را شنیده بودند نه حتی چیزی در مورد ملیت به طور کل و نه در مورد کرد و کردستان اطلاعاتی داشتند

۳.... دقیقاً به همان شکل و به همان صورت جوانان بسیاری که از طیف چپ آن زمان بودن و به دفعات دیدم و شنیدم که آنها به این تصور که با باقیمانده ارتش شاهنشاهی، می جنگند و مبارزه می کنند، مخصوصاً اسم پالیزبان، اویسی، و و و واز آنها بسیار شنیده میشد ۴۰ - با

جوانان زیادی روبرو شدم که زمانی که صدای خواندن قران یا آوازی که از بلندگوهای مساجد شنیده می شد، با کمال تعجب سوال می کردند که شماها (ما کردها) مسلمان هستیم؟؟ و میگفتند که آمده ایم که با کوفار بجنگیم و آمده ایم به بهشت مشرف شویم و بدون استئناً همگی کلید بهشتی که به آنها وعده داده شده بود به گردن داشتند!!!! تمامی اینها که بسیار سطحی و گذرا اشاره شد در جنگهای روستایی و شهری در جبهه های جنگ و اکثراً در جنگهای تن به تن پارتیزانی اسیر شده بودند و بعد از مدتی روشنگری ازاد می شدند، و یا با اسیرانی که هرگز در جنگ نبودند ولی از طرف سران پاسدارها که از بیروت برگشته بودند و از جنگ و گریز پارتیزانی تجربه کافی داشتند، تعویض می شدند!! در تمام این مدت هرگز ندیدم یا نشنیدم که یکی از این اسیران گمراه شده مورد شکنجه و یا بی حرمتی و یا خوردن کردن شخصیتی شده باشند. زیاد هستند که از همان اسیران بعدها بهترین دوستان و پشتیبانان پشت جبهه آزادیخواهی ملت کرد مبدل شدند و هنوز هستند بدون شك اتفاقات ناخوشایندی به وقوع پیوسته و این امر نگزیری است که متأسفانه دوری از ان اگر غیر ممکن نباشد بسیار دشوار است،، بسیار متأسفم که باید این واقعت تلخ را قبول کرد که در جنگ نقل و نبات و شیرینی پخش نمی کنند، شاید و شاید در دوران کوروش و داریوش چنین بوده باشد، شاید به ان می رسیم!!!! در اینجا تاملی لازم است، حتی در یک مورد پیشمرگان کردستان در هیچ یک از شهرهای غیره کردی نه جان باخته اند و نه در جنگی اسیر شده اند و نه زخمی شده اند، به معنای دیگر حداقل در تاریخ معاصر هرگز کردها تجاوز گر نبودند و همیشه از موجودیت و حقانیت خود دفاع کرده که یک اصل حقوق بشر و قوانین بین المللی و مهمتر از ان یک غریزه انسانی و طبیعی هر جاننداری است که برای بقای خود به دفاع از خود بپردازد و به هر کاری ممکن روی آورد. ولی گویا درک این اصل ساده و هضم ان برای نوادگان هخامیهها و سیزده امامیهها بسیار سخت و دشوار بنظر می رسد،، دلایل کاملاً تاریخی، علمی دارد،،،،، من به هیچ عنوان بر این تصور نیستم که در برخورد کردها با اسیران که حقیقتاً کاملاً انسانی بود، بخاطر این بود که مردم کردستان تافته جدا بافته بودند و هستند!!! نه به هیچ عنوان!!! چون حتی اگر به این تفکر قرون وستایی شیعه شئونیسف فارس که نه تنها قدرت نامشروع و نا دمکراتیک خود را بر مردم این سرزمین منحصر کرده بلکه شب و روز هم از تهران و وحشتناکتر از آن در شیپورهای رادیو و تلویزونهای اروپا و امریکا و کانادا شنیده می شود که آنها بهترینها هستند و بوده اند خواهند بود، اگر من چنین فکر کنم، خود را تا سطح هخاها و عاری از مهرها و همایونیهها و قانعی فردها و اندیشمندانی چون فروزنده ها، و علامه های قم و مشهد و تهران رسوا کرده و تنزل کرده؛ نه ما کردها نه از هیچ ملت دیگری بهتر و یا داناتر و یا خلقتتر و یا کمتر هستیم بلکه مثل تمام ملیتهای دیگر دارای نقاط ضعف و بهتر هستیم، یکی از این نقاط ضعف، زود باور کردن و مهماندوست بودن کردها که حتی دشمنان این مردم به ان باورمندند و چه ها زربه های سنگین و جبران ناپذیری بر پیکرش خورده و دومین دلیل دیگر ان داشتن یک رهبر شایسته دکتر عبدالرحمان قاسملو بود

که انسان دوست و معتقد به تمامی اصول اولیه حقوق رهبر شایسته و دانادریکی از مهمترین مقطع تاریخی خود!؛ ان هم کسی نبود جز همیشه زنده انسانها در هر مکانی و هر شرایطی بود، و به معنی واقعی کلمه انسان دوست، هرگز فراموش نمیکنم که این رهبر مدرن و دانا از هر وسیله‌ای ممکن استفاده میکرد که نکند پیشمرگه‌ها به دلیل احساساتی با اسیران رفتار غیر انسانی داشته باشند و دقیقاً همین هم باعث شد که بعدها که جنگ دوم آغاز شد، در جبهه‌های جنگ پاسداران و ارتشتان به دفعات در برابر نیروهای دیگر یا تا حد مرگ مجنگیدند و یا فراری میشدند، ولی در اکثر جبهه‌ها که میدانستند که در صف مقابلشان پیشمرگه‌های حزب دمکرات هستند خود را به اسانتر تسلیم می کردند در تمامی این گفتار نه منظور از تاریخ کردستان است و نه هیچ گونه تحلیل و عمل کرد حزب دمکرات کوردستان ایران و نه کومله زحمتکشان کردستان ایران است، بلکه در کمال سادگی و به زبانی ساده که نه زبان مادریم هست و نه تسلطی بر آن دارم بلکه زبان بیگانه‌ست، مسعی می کنم که نشان دهم که شئونیسیم حاکم فارس چگونه طیفهای به ظاهر کاملاً متضاد ولی در عمل همان کاسه ليسان درباری، چکمه پوشان رضاشاهی و نعل ليسان سیزده امامان با هم متحد و همکار و هم فکر و هم پیاله هستند تنها فرقتشان رنگ زیر پالتوها و عباهاست !!!

جبهه مقابل!!!!!! جنگ در تمامی کردستان ادامه داشت، یکی از قصابهای کردستان کارفرمای کنونی و رسمی جیره خوار و خودفروخته و جاش شناخته شده برای مردم کردستان (قاعی فرد) نادان ابله!! با تمام امکانات ممکن، مردم کردستان را زیرسرب کوب سنج قهرمان را زیر بمباران هوایی و همزمان با توباران گردانهای زرهی به خاک و خون کشیدند، کمیکرد، اولین بهار آزادی، به تا حال هیچ کس نتوانسته قربانیان این جنایت را به درستی تخمین بزنند. از شمال کردستان تا جنوب و از شرق تا غرب زیر بمباران هوایی و زمینی پاسداران تازه به قدرت رسیده و ارتش حاجی محمدرضا شاه عاری از مهر که به دلیل از دست دادن پدرشان به مانند مار زخمی خشم و کینه خود را بر سر مردم کردستان ریخته و به گمانشان مردم کردستان و کوههای کردستان که همیشه دوست وفادار مردم خود بوده و خواهد بود، را به زانو درآورده و اسوده خاطر بر آن تکیه خواهند زد، ولی مقاومت و مبارزه ملی و همگانی و تاریخی و دمکراتیک برحق مردم کرد چنان اخوندهای تهران و قم و مشهد و غیره را به لرزه درآورد که خمینی را مجبور به نوشیدن اولین جام زهر کردند و رسماً از طریق رادیو و تلویزیون مجبور به اعلام آتش بس شد و اصل خودمختاری کردستان گردن نهاد مردم شهر و روستا زنان و مردان قهرمان دست به شادی و پایکوبی زدند، در اینجا آنچه به جنگ سه ماهه شناخته شده به پایان می رسد و سیاست شوم ضد بشری شئونیسیم و شیعه‌ئسم فارس با رنگهای گوناگون تراژدی بسیار حساب شده را بر مردم کردستان تحمیل کرده و سیاستهای شوم خود را به کمک کسانی که هیچ کس حتی تصورش هم قابل هضم نبود و درک واقعی و سیاسی آن برای اکثریت مردم غیرممکن بود، تنها کسانی که این واقعیت را درک کرده بودند از تعداد انگشتان دست بیشتر نبودند.

در این دوران سه ماهه جنگ در کردستان، همزمان اتفاقاتی در سایر دیگر مناطق ایران در حال وقوع پیوستن بود! دولت مرکزی در حال مستحکم کردن پایه‌های نضامی، سیاسی، واقتصادی خود و از طرف دیگر شروع به سرکوب دیگر گروه‌های سیاسی کرده که اینجانباید به این حقیقت تلخ سعه نمود که بسیار زیر کانه عمل کرده و اخوندهای تازه به قدرت رسیده به کمک یکی از با سابقه ترین حزب دیگر چه از نظر سیاسی و چه از نظر نفوذ داخلی و خارجی استفاده گرفت و به سرکوب دیگر گروه‌های، که اغلب تازه و بی تجربه و حتی برای اولین بار به صورت علنی شروع به فعالیت سیاسی خود کرده بودند. اگر بگویم که یکی از مهمترین عاملی که موجب تعمیق و در دست گرفتن قدرت کامل رژیم تازه نه به قدرت رسیده خمینی بر جامعه تازه رها شده از رژیم شاه همان سناریوی استفاده از این حزب بود اغراقی نکرده‌ام، و این حزب کسی نبود بجز حزب توده ایران ۷۰ هم چون که در اوایل این نوشته اشاره شده؛ من بدنبال نوشتن تاریخ سه دهه و اندی نیستم و در توان بنده هم نیست، ولی برای نتیجه گتری از این نوشته اشاره‌های قبلی و از این بعد هم دارم لازم میدانم.

رژیم خمینی که اعلام آتش بس کرده بود و در این مدت دستگاه سرکوب خود را سازمان داده و همزمان در موازی با ارتش رسمی ارتش دیگری به نام سپاه پاسداران و بسیجیان را تشکیل داد که هم اکنون تمام قدرت اقتصادی، سیاسی، نضامی، اجتماعی را بصورت بسیار پیچیده و مافیایی کامل در دست گرفته و حتی شخص امام ۱۴ خامنه‌ای هم در این مافیای قدرت اقتصادی زیاده حساب نمی آید. بخشی از این مافیای اقتصادی بسیار دورتر از جغرافیای ایران وجود دارد. بحث من نیست!!

همزمان که رژیم به شدت سرکوب همه جانبه در تمام ابعاد اجتماعی مخصوصاً زنان را شروع کرده بود، حمله همه جانبه خود را به کردستان شروع کردند و از هوا و زمین مردم را زیر بمب و آتش قرار دادند و ملی موتسفانه به علت بودن دو قطبی بودن سیاست جهانی آن زمان این جنایتها هرگز در بعد قابل توجهی منعکس نشود و رژیم به تمامی از آن به نفع خود استفاده کرد،

جبهه‌ی کردستان!!!

دقیقناً و در زمانی که جنگ در سرتاسر کردستان در جریان بود، همزمان گروه‌هایی بی نام و نشانی از راه‌های گوناگون به کردستان آمده و ظاهراً در کنار مردم کردستان علیه رژیم به مبارزه پرداختن، چند نامی که از این گروه‌ها در حافظه کم حافظه خود بیاد دارم نام می برم.

گروه سهند، گروه شفق، گروهی به نام چریک‌های اشرفی، سازمان پیکار، جوانان مسلمان کردستان، عده‌ای به نام طرفداران آقای موفتی زاده؛ سازمان خبات (مبارزه)؛ سازمان پیکار جوانان کردستان، به نظر من مهمترین تمامی اینها وجود حزب توده بود که بطور رسمی هم در کردستان و هم در سطح کشور از ادانه به فعالیت سیاسی / جاسوسی خود به سود رژیم فعالانه و بسیار سازمانده مشغول فعالیت بودند، البته ناگفته نماند که اکثر نام بردگان تعدادشان آن تعداد انگشتان بیشتر نمی شد. همزمان در این مدت به دو دلیل مشخص که لا

زوماً نمیتواند برداشت درستی از من باشد و باید اکادمین و محققین تاریخ و صاحب نظران در مورد آن تحقیق کنند نه برای این که زمان رابه عقب برگرداند چون غیر ممکن است بلکه برای ایندگان و جوانان کردستان که از این تراژدی بیاموزند، به امید آن که هرگز بیگانگان نتوانند در صفوف مبارزان کرد رسوخ کنند، و آنها را در برابرهم قرار دهند.

۲- دو دلیل یکی کم تجروبه گی و تندروی ان بخشی که خود را کمونیست می دانستند و فکر میکردند که میشود انقلاب کمونیستی را از کردستان شروع و به سایر دیگر نقاط ایران گسترش داد، که بعد از نزدیک به ۳۳ سال میشود به یقین گفت که این فکر و ئیده غیر ممکن بود.

دلیل دوم: از طرف دیگر حزب دمکرات کردستان ایران که بر این باور بود که نمیشود از کردستان انقلاب کمونیستی رابه ایران صادر کرد، ولی می توان در عین مقاومت رژیم ایران را مجبور به قبول بخشی از خواسته های برحق مردم کردستان کرد. البته بخش دیگری ولی تامدتی بصورت نامرئی هم وجود داشت! این دو نظر هرروز کم کم ولی بیشتر و بیشتر شکافی بسیار و با هزینه سنگین و جبران ناپذیرا بین از یک طرف حدکا و از طرف دیگر کومله با چریکهای فدائیان بوجود آورد که متسفانه به برخورد نضامی انجامید،،،، بعد از مدتی که از یک سو جنگ با رژیم و از سوی دیگر جنگ بین این دو طیف هرروز شعله ورتر میشد.

همزمان که جنگ نضامی علیه مردم کردستان در جریان بود رژیم با کمک مستقیم حزب توده جنگ سیاسی کثیفی را علیه مردم کردرا در تهران و در سطح کشور از طریق رادیو و تلویزون و روزنامه های متعدد شروع کردن که برآستی دست کمی از جنگ نضامی نداشت. این وضعیت جریان داشت و هرروز جوانان بیشتر و بیشتری جان خویش را فدای آزادی ایران!!!!!! و کردستان می کردند، آن زمان شعار اصلی حدکا، که اکثریت تقریبی مردم کردستان را با خود داشت ((دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران بود)) در این اوضاع کلی بود که ناگهان به گروگان گرفتن کارکنان و کارمندان سفارت امریکابه مانند بمب اتمی خبر تمامی رسانه های داخلی و خارجی و احزاب سیاسی شد و درد نیا شنیده شد، تا انجایی که من می دانم تنها حزبی که در ایران این عمل تروریستی و ضدقوانین بین المللی را به صورت رسمی محکوم کرد حدکا بود که برآستی در آن مقطع زمانی بسیارگران و پرهزینه برای حدکا تمام شد، که البته تاریخ نشان داد که تصمیمی کاملاً درست و خلاق و شجاعانه بود.

فضای سیاسی وسخن روز شیطان بزرگ و امپریلیسم امریکابر تمام اتفاقات دیگر سایه انداخته بود،،، و این تقریباً همزمان بود با آمدن جلد دوم قرن خلخالی که با هلیکوپترهای ارتش و سپاه به شهرهای مختلف کردستان رفت و آمد می کرد و به قتل و عام مردم بی دفاع کردستان مشغول بود، از اعدامهای دسته جمعی ۵۹-۲۳-۴۱-۱۳ نفری تا قتل و عام کلی روستاهای بی شمار و بسیار وقایع دیگر که در سرتاسر کردستان ادامه داشت، به این

صورت بخاطر جنایات رژیم علیه مردم بی دفاع، پیشمرگه‌ها مجبور شدند از شهرها بیرون رفته و با جنگ پارتیزانی به مبارزه خود علیه یکی از جنایتکارترین، عقب مانده‌ترین؛ وحشی‌ترین و بی رحم‌ترین رژیم‌های قرن بیستم ادامه داده‌واز شرف و ناموس و ملیت و آزادی کردستان دفاع کرده و به جنگی نابرابر ولی با باور به آزادی و حقانیت خود ادامه دادند. در این مدت عوامل حزب توده به نام مبارزه ضد امریکایی و ضد امپریالیستی چنان در احزاب سیاسی سراسری و حتی خود حدکا رسوخ کرده بود که چندین اتفاقات ضد انسانی و ضد مردمی روی داد و چنان ضربه‌ای به مبارزات کردستان وارد آورد که هنوز جای پای و زخم آن بر مردم کردستان مانده است، این مهم را باید به خاطر اورم که اگر شخص همیشه زنده یاد دکتر قاسملو نبود، حدکا به همان شرنوشت دچار می شد که حزب توده گرفتار شد. باید به این مهم اشاره کنم که حقیقتاً تنها کسی در آن دوران چه از نظر سیاسی و چه از نظر ئدولوژیک مارکسیستی ((سوسیالیسم علمی)) تنها کسی که می توانست و در قدرت دانایی و دانش ان راداشت که سیاستهای توده‌یها را از نظر تئوریک و سیاسی به چالش بکشد و انها را ساکت کند شخص زنده یاد دکتر قاسملو بود. چون باید واقعیتهای را گفت الحق کسانی دیگری در آن دوران وجود نداشتند که با رهبران حزب توده‌ی رو در رو شوند چون انها هم از نظر تئوریک و هم در مسایل بین المللی آشنای داشتند البته از زاویه روسیه و شعارها و دروغهایی و افتراهایی که از طرف رژیم و حزب توده و سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران (اکثریت) که مستقیماً تحت تأثیر حزب توده، در یک چرخش ۳۶۰ درجه‌ای سیاسی برای فریب افکار عمومی هر روز تیترا اول رسانه‌های خود را با این مضمونها به خورد مردم می دادند.....

عوامل ضد انقلاب به پادگانها و پاسگاهها حمله کردند !!!!

حمله عوامل ضد انقلاب و باقیمانده رژیم طاغوتی به سپاه پاسداران !!!!

گردهمایی سران رژیم طاغوتی برای تجزیه ایران و شکست دادن انقلاب اسلامی !!!!

حمله ضد انقلاب بیون وابسته به دمکراتها به مردم مسلمان کردستان !!!

کمک رژیم بعثی عراق به ضد انقلابیون و طغوطیان برای شکست دادن انقلاب !!!!

گردهمایی سران ناتو برای کمک به ضد انقلاب !!!

حمله عوامل ضد انقلاب به روستاهای کردستان و آذربایجان و قتل و عام آنها!!!!!!

اعلام جهاد امام علیه کافران و ضد انقلابیون !!!

اعزام نماینده امام، خلخالی برای سرکوب ضد انقلاب به کردستان !!!!

بسیجیان با لبیک گفتن به امام به کردستان سرازیر شدند!!!!

سرکوب شدید ضد انقلابیون به دست فرزندان اسلام!!!!

سپاه پاسدان را به سلاح سنگین مجهز کنید!!!!

افشا شدن کمک امپریالیسم امریکا به ضد انقلابیون و تجزیه تله بان !!!!

اعلام موفس و فی الرض بودن سران دمکرات از طرف امام!!!!

اعدام گروهی از ضدانقلابیون به دستور نماینده امام در شهر سقز !!!!
اعدام گروهی از ضدانقلابیون به دستور نماینده امام در شهر پانکه !!!!
اعدام گروهی از ضدانقلابیون به دستور نماینده امام در شهر پناه !!!!
اعدام گروهی از ضدانقلابیون به دستور نماینده امام در شهر بوکان !!!
اعدام گروهی از ضدانقلابیون به دستور نماینده امام در شهر ارومیه !!!
اعدام گروهی از ضدانقلابیون به دستور نماینده امام در شهر اشنوویه !!!!
اعدام گروهی از ضدانقلابیون به دستور نماینده امام در شهر مهاباد !!!!

و و و و و و ،،،،،، در دیگر شهرهای و روستاهای تمام کردستان.....
کمک ۹ میلیون دلاری سران ناتو به باند قاسملو!!

((همانطور که بر اثر تأثیر مستقیم حزب توده سازمان فدائیان به عنوان یک سازمان سراسری،
را زیر سیاستهای خود کشاند، در همان زمان در مدت تقریبی ۸ سال یعنی در ۲ کنگره حدکا
عده‌ای که غالباً عضوی حزب توده بودن و برای آنها فعالیت می کردند ولی در لباس حدکا
از حزب انشقاب کرده و رسماً در جبهه رژیم قرار گرفتن که به گروه ۴ نفری شناخته و در مدت
کوتاهی از بین رفتن وعده‌ای داخل رژیم شدند وعده‌ای هم به کشورهای ثالث رفتن ولی هم
رژیم و هم حزب توده به درستی فهمیده بودند که نه تنها نتوانستند عزم راسخ مردم کردستان
را برای آزادی از بین ببرند بلکه راسختر کرد، جنگ پاتیزانی همچنان ادامه داشت و هم‌زمان
این اراجیف و دروغها که در بالا به آن اشاره شد از طرف رژیم و حزب توده وفدائیان علیه
حدکا و مردم کردستان ادامه داشت، تا ضربه دیگری این بار در کنگره ۸ حدکا با شعار و
ودلائل مختلف ولی در محور اصلی آنها این بود دکتر قاسملو از جهان سوسیالیستی موجود
ان زمان فاصله گرفته و او را متهم می کردند که به جهان دمکراسی غربی از نظر سیاسی
نزدیک شده، زدند. با این حربه حزب توده توانست که گروهی دیگری را از صف حدکا
جدا کرده، که به نام رهبری انقلابی جدا شدند و جنگ دیگری را این بار از سوی دیگر، علیه
حدکا به رهبری دکتر قاسملو همیشه زنده یاد شروع کردند ،،،،، در بین این ۲ کنگره بود که
رسانه‌های رسمی حزب توده و وابسته به رژیم نام بسیار ابلهانه و بدور از تمامی عرف سیاسی،
دوستی، دیپلوماسی و بسیار ناجوانمردانه و دور از شرافت انسانی ((باند قاسملو)) را به حدکا
نهادند، و از هر سو قلمها و گوله‌ها را به سوی حدکا به رهبری دکتر قاسملو نشانه گرفتند، و این جا
هم لازم می دانم که نامی از آخرین ضربه و انشقاقی که در سال ۲۰۰۷--۲۰۰۸ کنگره ۱۳
اتفاق افتاد، ادامه همان سیاست توده‌ای بود که با نامه یکی از اعضای پنهانی توده که در
کنگره ۸ فعالانه شرکت داشت توسط همان شخص شروع شد و هم اکنون در یکی از شهرهای
سوئد گویاشبها مشغول خواندن و روزها تاکسی می راند. لازم به آوردن نام ایشان نمی بینم ..
اما این بار با شعار و چرخش ۳۶۰ درجه‌ای که گویا حدکا به اندازی لازم و کافی برای
برای ملیت کرد تلاش میکند!!!!!! سرسام آور و تعجب آور اینکه همان افراد هم اکنون
در رسانه‌های خود و گردهمایی های خود در زیر عکس ها و پوسترهای همیشه زنده یادان دکتر

قاسملو و دکتر شرفکندی ایستاده!!!!!! و مردم فریبی می کنند.
(در مورد مجاهدین خلق ایران اشاره‌ای نکردم چون به راستی به اندازه گروه‌های نام برده شده در اتفاقات و جنگ‌های بین حدکا با رژیم و جنگ‌های مابین احزاب کردی تأثیر زیادی نداشت مگه اینکه در انشقاب کنگره ۸ که با کمک مالی و لجستگی به آنها کمک کردند که آن هم دلائل خودش را داشت.)

و یک اتفاق بسیار مهم و بسیار جای تامل و در همان حال آموزنده برای نسل‌های دیگر این بود که زمانی که رژیم ایران دیگر تمام استفاده ابزاری، موضعی و زمانی و سیاسی خود را از حزب توده کرده بود، و نوبه قربانی شدن خود توده‌ایها رسید، دکتر قاسملو از سران حزب توده خواست که فریب رژیم را نخورند و به قرارگاه‌های پیشمرگان حدکا بیایند، ولی باین توهوم که رژیم تنها از آنها بازجویی می کند و خود را تسلیم رژیم کرده البته چند نفری از رهبران وعده‌ای از کادر دوم و سوم خود را به پیشمرگان رسانده و تا زمانی که به کشورهای اروپایی به عنوان پناهنده رفتند زیر حمایت حدکا بودند، که باز دلیل دیگری برای بزرگمهری و انسان دوستی سخصیت والای دکتر قاسملو بود، که با تمام وجودم سر تعظیم برایش فرودمی اورم.

کمی به عقب برگردیم! همچنان که جنگ به تمامی معنای واقعی خود در تمام سرزمین کردستان در جریان بود. و پیشمرگه‌های حدکا با تمام وجود از ملت خود دفاع می کردند و هر روز در یکی از گوشه‌های کردستان ضربه‌ای به رژیم می زدند و در میان مردم علیه جنایات رژیم افشاگری و به سازماندهی مردم مشغول بودند، و همزمان کومله هم به مبارزه علیه رژیم ادامه می داد البته در مقیاس کمتری، بیشتر اعضای کومله به دلائل مختلف به عنوان پناهنده به کشورهای ثالث نقل مکان کرده بودند خوشبختانه دیگر جنگی بین کومله و حدکا در جریان نبود ولی هیچ نوع آتش بسی رسمی هم وجود نداشت، ولی میشود گفت که نوعی صلح اعلی، م نشده بر اوضاع سیاسی بین این دو حزب اصلی حاکم بود، این اوضاع تقریباً همزمان بود با به سر کشیدن جام زهر از طرف خمینی. همچنان که مبارزه ملی دمکراتیک کردستان ادامه داشت تا فاجعه برلین و میکونوس که منجر به از دست دادن دو رهبری که تا آن زمان با درایت کامل و با داشتن دانش سیاسی و شناخت واقعی جامعه ایران، کردستان و مهمتر از اینها شناخت درستی که از سیاست و اوضاع بین الملل داشتند، مبارزات کردستان را رهبری کردند بدون اینکه از طرف هیچ یک از نهادهای بین لملی زیر سوال قرار گیرند، این مهم بیشتر نمایان میشود که بدانیم رژیم با تمام قدرت اقتصادی، دیپلوماسی و لابی‌گری خود می خواست چهره این دو رهبر را در سطح بین لملی خدشه دار کرده و جلوی افشاگری آنها گرفته و همزمان روابط سیاسی و دیپلوماسی آنها با افراد سیاسی ایرانی و اروپاییها را گرفته یا به حداقل برساند که در این زمینه رژیم خمینی کاملاً شکست خورد. درست است که رژیم این دو رهبر را از مردم کردستان گرفت ولی این تنها یک ضربه پیروزی موقتی برای رژیم بود. چون برآستی این دو رهبر دانا چنان درسی و

تأثیر سیاسی را در این مدت کوتاه به مردم کردستان عموماً و به حدکام خصوصاً یاد دادند و تقدیم کردند، که اگر مردم کردستان صدها بار دیگر رهبران خود را از دست بدهند، بخوبی به خواسته‌های انسانی، ملی، دموکراتیک خود آشنا شده و برای رسیدن به آن مبارزه می‌کنند، و این بزرگترین پیروزی برای کرد و کردستانی است،

بعد از این حوادث که حدکام همچنان به مبارزه خود علیه رژیم ادامه می‌داد، همزمان بود با بحران سیاسی بین رژیم جنایتکار دیگری عراق که مردم غرب کردستان را به مدت ۴ دهه به شدت ترین نوع ممکن سرکوب کرده بود و کشور کویت را رسماً اشغال کرده بود از یک طرف و از طرف دیگر جامعه جهانی به رهبری امریکا بحث روز تمامی رسانه‌های دنیا بود و هر روز وضع موجود پر چالشتر می‌شد، تا اینکه جنگ تمام عیار شروع شد و بعد از مدتی جنگ بیشتر ادامه یافت و رژیم صدام به مانند رژیم شاه برای همیشه به ذوباله دان تاریخ انداخته شد، و دلیران و پیشمرگه‌های کردستان غربی شهرهای کردستان را با کمک مردم یکی پس از دیگری ازاد کرده و بدین صورت حکومت خودمختار غرب کردستان بعد از ۶ دهه حکومت ملی دموکراتیک کردستان شرقی متولد شد. تولدش به تمامی مردم کردستان در هر کجای این جهان پهناور هستند مبارک باد.

در اینجا باید موضوعی را برای شنوئیستهای ابله که یقیناً بسیار برایشان ناخوشایند خواهد بود بر ملا کنم و آن این که احزاب کردستان ایران (شرقی) بسیار از پیش سازمانده‌تر، بیشتر، و مسلحتر می‌باشند و هر آن که رهبری بخواهد در هر گوشه کردستان می‌تواند عملیات نضامی انجام داده (صدها جوان کرد منتظر همچون تصمیمی هستند) و ظربه بر پیکر رژیم بزنند، این کار را فعلاً نمی‌کنند تنها بخاطر ستراتیژیک ملی و هموطنان کردستان غربیمان می‌باشد، تنها به همین انگیزه!! این را گفتم که خوفاشان فکر نکنند که کردستان لقمه ساده و اسان است برای شنوئیستهای بی فرهنگ!

این خلصه بسیار سطحی و زودگذرا بود که بروضعیت سیاسی کردستان حاکم بود.

و اما چرا بازگو کردن این وقایق؟؟؟

بعد از آن همه بحرانها و چالشهای سیاسی که به جنگ و خونریزی و برادرکشی بین دو حزب اصلی کردستانی، حزب دموکرات کردستان ایران (حدکا) و سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومله) در جریان بود و به راستی دل تمام انسانهای راستین دموکرات و ازادی خواه و کسانی که به طور یقین به دنبال رهایی از رژیم قرون و ستایی اسلا می‌بودند، را به درد می‌آورد! طبیعتاً و اصولاً می‌بایست از این اتلاف سیاسی بین این دو حزب با تمام امکانات چه از نظر سیاسی و چه تبلیغاتی از آن پشتیبانی کرده، و از طریق رسانه‌های متنوع و اسان کنونی با تمام قدرت این اولین اتفاق سیاسی را در تاریخ معاصر ایران که برای اولین بار بین دو حزب مطرح که از بتن جامعه برخوردار بودند، بین جامعه برده و جامعه ایران را

خوشبین کرده و در همان حال انتظار می‌رفت درس و سرمشقی برای دیگر احزاب می‌شد. دو حزب که بدلیل گوناگون درست یا اشتباه بهترین فرزندان کردستان روبروی هم قرار گرفتند. حال که در یک فرایند دور و دراز و پراز فراز و نشیب اللن به یک توافق رسمی در بالا ترین سطح رهبری به امضا رسیده و بدون شک در تاریخ کردستان شرقی خواهد ماند و خواهد درخشید. چپ شده چه اتفاق نا انسانی و ضد انسانی ضد دمکراتیک روی داده؟؟؟؟؟ ما هم اکنون شاهد رفت و آمد دیپلوما تهای رسمی و غیر رسمی ((سیاستمداران اغلباً باز نشته ولی خیر خوا)) از یک طرف دنیا به آن طرف دنیا با هزینه های سرسام آور در رفت و آمد هستند که بین این و آن صلح برقرار کنند و برای کارشان اغلب تشویق شده و حتی در موارد زیاد موفق به دریافت جایزه های بزرگی می شوند!!! حال چه جنایتی، چه کار غیر انسانی غیر اصولی به وقوع پیوسته که پیوند و اعلا میه مشترک بین حدکا و کومله که خودشان به این مهم رسیده اند؛ این چنین مورد حمله و تهاجم و حشیانه؛ موغرضانه؛ ابلهانه و احمقانه قرار گرفته و به راستی این ابله هان چه کسانی می باشند؟؟؟؟؟؟؟؟ ان هم نه از طرف مردم کوچه و بازار و مردم عادی جامعه؛ بلکه دارای از طرف کسانی که همگی دکترای جامعه شناس، علوم سیاسی، تاریخ شناس، محقق و پژوهشگر و ووو هستند، بدتر از این و خنده آور تر و تعجب اور تر اینکه تمامی این حضرات به جای اینکه در قم و مشهد و کربلا و تهران زندگی کنند و مردم را ارشاد بفرمایند!! مقیم پیشرفته ترین و دمکرات ترین کشورهای اروپایی و امریکاهستند و هر کدام از این مدعیان آزادی هم؛ به لطف درآمد تبلیغاتهای انچنانی که بیشتر آنها مستقیماً از اطلاعات سپاه پاسداران رژیم ولایت فقه صادر می شوند، دارای شیپورهای رادیو، تلویزون ۲۴ ساعته هستند، که بعضی وقتها تهوع اورند، دارا می باشند!! چرا و به چه دلیل به این ابعاد گسترده این دو حزب کردستانی را به مانند گرگهای وحشی مورد هجوم قرار داده و می دهند؟؟؟؟؟ مشکل چیست؟؟؟؟؟ چرا؟؟؟؟؟

به ناچار به انبار اضافی که داشتم و مدتها بود نرفته بودم سر کشیده تا از تزه های گوناگونی که در هر موردی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، ئتئیکی، زبانی، جنسیتی، رسانه ای و مذهبی که داشتم و دکترای خود را گرفته بودم دوباره چشمی بیندازم و باز خوانی کنم تا بلکه دلیل وانگیزه ای را پیدا کنم، اما با کمال تاسف هیچی پیدا نکردم نا امیدانه می خواستم از این کتبخانه بزرگ خودم به بیرون بیایم و انهمه دکتراهای خودم رابه حال خود رها کنم که در آخرین

...استاد و پروفیسور محمد امینی پژوهشگر محقق تاریخ تمام خاور میانه ((که
بنظر بنده دانش تاریخی ایشان از محدودی تهران بیشتر نمی باشد))...
...استاد پروفیسور هومر آبرامیان در تخلویات و هزیان گویی *
... استاد و پروفیسور بهرام مشیری در مصدق شناسی و بخشی از نهج البلاغه
... استاد و پروفیسور فروزنده در دمکرات بودن و از ادخواهی و بیعت کنی، که با
آوردن دکتر قانع فرجاش مشهور و سرشناس (یکی از کلمات بسیار اشنای
کوردی به معنی کره خر =، جیره خوار که به کسانی گفته میشود که با رژیم حاکم
همکاری کرده علیه مردم هم زبانانش)) توله و نوجه سرشناس محسن رضائی این
جلاد مردم کردستان و اوین، له به حقیقت سرسپردگی و اهل بیت بودن خود را به
خامنه ای به بهترین نوع ممکن به ثبوت رسانید *
...استاد پروفیسور عباس پهلوان، پهلوان پهلوانان، پهلوان پنبه در روزنامه نگاری
...استاد و پروفیسور سعید سکوهی در پهلوی شناسی، و و و و
...استاد و پروفیسور اردوان مفید در شاهنامه و فردوسی شناسی و روزه خوانی از نوع
کروشی و داریوشی و بسیار بسیار استاد و دانشمندان و فریختگان بی نهایت
دیگر که نام بردن از همه آنها غیر ممکن می باشد، و جواب دادن و به چالش
کشیدن همه اراجیفی که از اینها شنیده می شود غیر ممکن و در عین حال بی ارزش !!
دلیل دو شخصیت که نامشان در بالا آمده مرا به نوشتن این چند تا سطر نمود
* تصادفی و از طریق نت به یکی از رادیوها گوش می کردم که شحصی به اسم
معصومی که برای مردم روشنگری میکرد و به دلیل اعلامیه ان دو حزب کردی
، حدکا و کومله و از وحشت آزادی و احقاق حقوق راستین بخش اکثریت مردم و از
تجزیه شدن ایران به بدترین نوع ممکن به این دو حزب تهمت، و با کلمات
رکیک مشغول دشنام دادن بود، حداقل در مدت ۳۰-۳۵ دقیقه ای که ایشان مشغول
روشنگری بودند بیش از ۲۰-۲۵ بار این دو حزب را ابله خطاب می کرد، و جالب
توجه و خنده آور اینکه در تمام این مدت که سخن پراکنی میکرد، بیش از ۲۵ بار
حدکا را فرقه دمکرات می نامید!! خیلی مشخص بود که به همان اندازه که متنفر از
مردم کردستان و حزبشان بود به همان اندازه هم از مردم قهرمان و تحت سلطه
آذربایجان متنفر و بی زار بود، این ابله و بی خرد و بی دانش مکتب کوروشی و پهلوی
نمیدانست که فرقه دمکرات آذربایجان با حزب دمکرات کردستان ایران دو حزب
کاملا متفاوت و متعلق به دو ملت کاملا متفاوت هستند، این ابله و بی خرد که
اذهان می فرمود که این امریکا و هم پیمانانش هستند که این اعلامیه را منتشر

کرده‌اند!!! هر چند من آرزو داشتم که چنین بود، ولی ابلهی و بدخردی این احمق چنان فزایند بوده که خودش هم به لکننت زبان می افتاد که به حقیقت کسی که کوچکترن شناختی از وضع سیاسی و اجتماعی مردم ایران به طور عمومی می داشت هرگز چنین قورباغه‌هایی از دهانش بیرون نمی آمد، و در اینجا تنها جوابی که برای این ابلهه دارم و با اطمینان کامل از اینکه او را بیشتر وحشی تر و از رده تر می کند این خبر ناخوشایند برای این استاد بی خرد است، که دیر یا زود شاهد اعلامه دیگری خواهد بود، این بار نه بین دو حزب کردی، بلکه بین دو ملت آذری و کردها برای آزادی دموکراسی و علیه بی خردانی چون ایشان و شئونستهای فارس و در آینده ی نه چندان دور شاهد اعلامیه های دیگری بین مردم بلوچ؛ اهواز و دیگر ملت های دیگر تحت سلطه شئونستی فارس که داری ابله هانی چون شما هستند، خواهی بود، و من از اینجا به این ابله پیشنهاد می کنم که تا دیر نشده و دولا رامپریالیستی بیشتر از این بی ارزش تر نشده!! برو به بازار قم و رنجیر سینه زدنی را تهیه کرده و بخاطر تجزیه شدن ایران به سینه زدنی روی آورد. این دلیلی بود که رسانهای فارسی زبان را دنبال کردم! شخصیت دوم که باید اذهان کنم مرا تا اندازه ای شوکه کرد اقای است به اسم فروزنده مدیر و مسئول تلویزونی به نام اندیشه که به راستی می بایست اسم آن تلویزون احمقان، بی خردان، ابلهان و شئونستی، فاشیستی، نامید، این استاد سخن سرا و نکته بین و کسی که حتما در مدرسه های قم و مشهد و تهران و کربلا و نجف و غیره درس سخن وری و روزه خوانی یاد گرفته و الحق روزه خوانیش را به طور احسن یاد گرفته و در لباس زیبا و صورت اراسته چنان به اراجیفی، ان هم در مورد انسان و انسانیت و آزادی و دموکراسی به روزه خوانی می پردازد که براستی خیلی ها را فریب داده بود، تا اینکه چهره واقعی خودش را آشکار کرد ان هم نه یک بار بلکه چندین بار و کاملا آشکارا سرسپردگی خود را به رژیم سرتاپا فاشیستی که در تمام ابعاد خودش و با تمام معنی فاشیستترین رژیم شناخته شده تا حال است به ثبوت رساند و به دلیل یک اعلامیه که از هر نظر و با تمامی میصاقهای حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر و آزادی انسانها همخوانی دارد به یک باره با صدایی بسیار تند و هم زمان مشت کوبان به میز جلوی خود با خامنه ای جنایتکار علیه حد کاو کومله بیعت می کند!!! من در اینجا کم می آورم و هیچ سخنی یا جوابی که در شن این مزدور باشد در این نوشته جایی ندارد، تنها به این مهم اشاره می کنم و یاد اور می شوم که سرمایه گذاری رژیم در خارج حقیقتاً بطور مطلوب کار کرد داشته و دقیقاً همین

دلیل است که تعداد هیچ اعتراضی علیه رژیم جنایتکاراسلامی ایران از ۲۰۰ نفر و گاهی اوقات از تعداد انگشتان بیشتر نیست ، به دلیل گماشتگانی و مزدورانی چون فروزنده‌هاست ،تنها حرفی که دارم این است که بیعتت به خامنه‌ای و رژیم شیعه‌ائسم و شئون‌یستی فارس مبارک باشد،این مزدور با مزدور شناخته شده‌ای در مورد دو حزبی که یکی قدمت ۶۴ساله و دیگری حداقل تاریخ ۳۵ساله دارد مصاحبه می کند و برای مردم ایران زمین روشنگری می کند!!! این ابلهان و مزدوران از اعلامیه دو حزب کردستان شرقی پافرازتر گذاشته و عو عو کنان به یکی از قهرمانان ملت کرد ژنرال مصطفی بارزانی حمله برده و نیش وهرچه که لیاقت پدران خودشان رضا قلدور و حاجی رضای دوم و اخرین گرگ زاده آنها و پدربزرگانشان،خمینی و خامنه ای بوده ،، نثار کرده و بدینگونه هرچه بیشتر تنفرشان را علیه مردم کرد ، و مزدوریشان را به رژیم اثبات می کنند که شاید آخوندهای تهران بیشتر از پیش سر کیسه را شل کنند!! این ابلهان برای خود هزیان گویی کرده و برای هم از بیسوادی بارزانی گفته و اشاره و فرمایشات می فرمایند که هیچ کس نمی داند ژنرالیش را از کجا آورده ،من لزومی برای پاسخ دادن به این سرداران سپاه اسلام نمی بینم ،ولی یادآوری برای چند جوانی که حوصله خواندن این نوشته را دارند بسنده می کنم ،ژنرال مصطفی بارزانی درجه ژنرالی خود را از رئیس جمهور کردستان در مهاباد گرفت و بعد از برگشت پدر تاجدارقانعی فر ، و قتل و عام مردم تبریز و به دار او یختن رئیس جمهور کردستان در مهاباد ،ژنرال بارزانی با ۵۰۰ نفر از پیشمرگان با ۳ رژیم ادم خوار ایران ،عراق و ترکیه به مقابله پرداخت و با شکست دادن هر ۳ رژیم از رود ارث عبور و خود را به روسیه شوروی رساند که در تاریخ جنگها یکی از پرافتخارترین جنگهای دوران معاصر شناخته شده است ،،،ولی ابلهان و مزدورانی که از سردار سپاه محسن رضایی و حسن رحیم پوراین جنایتکار اوین ،حق مزدوریشان را دریافت می کنند و درست به همین دلیل لازم نمی دانند این حقایق تاریخی را به زبان آورند!!!،و اگر کسانی دوست دارند از بیسواد بودن یا نبودن ژنرال بارزانی حقایقی را بدانند کافیست به ارشیوی وزارت خارجه انگلستان ،فرانسه ،روسیه و امریکا سری زده تا از اراجیف گفتن این ناخردان مزدورآگاه شوید .بعد از مدتی این الاغان به رهبر دیگری می تازند و این بچه رضایی زاده با کمک فروزنده ،اجیر شده تا حال پنهان بیعتی با کمال وقاقت هرچه بیشتر قورباغه از دهانشان می پرد که آقای هجری دبیر اول حدکا تنها معلمی بیش نبوده ،،،،حقارت و نادانی این دو براستی

مرزی ندارد ،

چون تا انجایی که شنیده بودم معلمی یکی از شرافتمندانه ترین و قابل ستایش ترین باارزشتین شغلهایی است که در تمام دنیا شناخته شده ، ولی در قاموس نوادگان کوروش و امام زمانشان و مزدورانی چون فروزنده و قانعی فرمعلمی کاری حقارت اور بشمار میرود!!!!!!قانعی فر ابله و جیره خوار و بچه محسن رضایی!!

باور بفرمایید اگر آقای هجری از دانشگاهای تهران و قم و مشهد وووو دکترایی چون شما وارباهایتان را دارا می شد، بدون شک این احترامی که برای آقای هجری دارم خدشه دار می شد!!!چون شما یا دکترهایی چون شما و هم پیاله هایت که فقط با نگاه کردن به زمین تمام مواد معدنی نهفته در ان را از قبیل نفت، گاز، اورانیم و مس و طلا و تمام الیازهای دیگر را با حجم و مقدار ان کشف کرده و تمام زمین شناسان و رادارهای زمینی و کامپیوترهای دنیا را بیکار کرده که هم اکنون در ایران تان روزانه اتفاق می افتد، به گفته رئیس جمهوری دارای همان دو کترایی که شما و همفکرانتان دارید و مورد خنده و تمسخر همگان شده، !! بله کودن ابله دانشگاهای ایران باستان تان دکترهایی همچون شما و فروزنده و پروفسور احمدی نژاد را به هزارهزار صادر کرده ومی کند و این افتخارات ارزانی خودت و هم کیشانت باد. آقای هجری شرافت و انسانیت خود را از دانشگاه واقعی، عینی و عملی، یعنی حزب دمکرات کردستان ایران در یک مبارزه ۳۳ساله دریافت کرده و به ان عمیقاً مفتخر هستم. حتی برای یک لحظه مقایسه دکترهای شئونستی و دانایهای آقای هجری، کاریست بس ابلهانه!!!!این بچه زاده محسن رضایی اضافه می کند که همه انها بیش از ۴۰۰ نفر نمی باشند،!!!!حال این همه وحشت و دلهره از چیست؟؟ وحشت شما که دارای رژیم ۲۵۰۰ساله هستید از چیست؟ آیا می شود با ۴۰۰نفر خطری برای رژیمهایی چون رژیم هخامنشیان و رژیم امام زمان شد؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟جواب بسیار اسان است و این مزدوران و شئونستها به خوبی می دانند که بزودی باید خواستههای ملی، دمکراتیک، انسانی دیگر ملیتهای غیر فارس را تحمل کنند چون راه دومی وجود ندارد،، حال دردو پر خاشگری این مزدوران از کجاست یا گفتن ۴۰۰نفر بودن حدکا باید اراجیفی بیش نباشد،، یا رژیم ۲۵۰۰+۳۳ساله هخاهی و ،امامی چاه چمکرانی باید چنان پوسیده و بی محتوا و ضد انسانی باشد که در شرایشی سقوط کامل قرار گرفته و به زودی با ۴۰۰نفر ان هم بیرون از ایران! به همان زباله دان تاریخ انداخته خواهند شد که اخرین نواده کوروش و داریوش رضا شاه خائن، انداخته شد. و این مزدوران ایت وللهی و شاهولا

اهی رابه وحشت انداخته، جواب این دو برداشت هر کدام باشد، تنها سرسپردگی و مزدوری فروزنده و قانعی فر را به اثبات می رساند.

در همان رسانه یکی از فرزندان راستین کوروش که گویا پژوهشگر و محقق تاریخ می باشند در اوج نادانی و بی خردی و باعصبانیت هرچه بیشتر اذهان می داشت که این دو حزب از کردستان جنوبی پرچمی بی نام و نشان آورده و به عنوان پرچم خود آورده و با آن مردم فریبی می کنند!!! برای من واقعاً خنده اور ولی در همان حال براستی تعجب اور و تا حدودی وحشت اور از این که چه کسانی برای مردم روشنگری می کنند، این نادان ابله پژوهش گرتاریخ یا این را نمی داند، که خود فاجعه است برای کسی که پژوهشگر تاریخ است، و یا می داند ولی به دلیل وحشت از آزاد شدن مردم تحت سلطه کردستان زیر چکمه های رضا قلدورها و خمینی و خامنه ای جنایتکار نعله پوشان، نمی خواهد و نمی تواند به این واقعیت تاریخی اشاره کند، که این همان پرچم مقدس است که ۳ روز قبل از اعدام اولین رئیس جمهور کردستان به دست شاه جلا دو نوکر، و این آخرین نوادگان داریوش و کوروش!! این پرچم را تحویل ژنرال بارزانی داده و از او می خواهد که از این پرچم نگهداری کند تا روز آزادی دیگری، (رئیس جمهور کردستان می توانست به دفاع ادامه دهد ولی به دروستی، به درنده بودن و خون آشام بودن شئونیهتهای فارس قدرت طلب، آگاهی داشت و بخاطر جلوگیری از تکرار همان قتل و عامی که در تبریز همیشه قهرمان همزمان در جریان بود جلوگیری کرده و خود را فدای ملتش کرد؛ که مردمش به دست چکمه پوشان محمد رضای نوکر و خون خوار مردم کردستان قتل و عام نشوند. می خواهم خبری بسیار ناخوشایند به این ابله هان برسانم، که اگر هم اکنون احزاب کردی عموماً و حدکا و کومله خصوصاً، از مردم کردستان بخواهند این دو دارای چنین تشکیلات سیاسی و نظامی و منسجمی را دارند و از چنان پایگاه مردمی برخوردارند که اگر به نفع مردم کردستان بدانند بدون شک در کمترین زمان ممکن صدها هزار از جوانان کردستان را آماده نبرد نظامی علیه رژیم پویشالی امام زمان کرده و این رژیم قرون و ستایی رابه زانو درمی آورند، ولی بخاطر نفع عمومی کردستان و حفاظت از دولت خود مختار کردستان جنوبی فعلاً از این قدرت خود استفاده نمی کنند، باشد که نوادگان کوروش و داریوش و ۱۳ امامی ها و سر سپردگان کور و ابله را بیش از پیش دچار سرگیجه و هزیان گویی نماید. و این ابله ۱۳ امامی باید بداند که این پرچم نه متعلق به حدکا و نه به کومله و نه پارت دمکرات کردستان و نه هیچ حزب دیگر کردستان است این

پرچم متعلق به تمامی مردم کردستان شمالی، جنوبی، شرقی و غربی می باشد. اگر تحمل و درک این واقعیت را نداری شما هم برو به یکی از صدها مساجدی که رژیم جماران نماینده امام ۱۳م در لوسانجلس برایتان باز کرده به سینه زنی و قمه زنی مشغول شو تا شاید از عزادای تجزیه شدن ایران کمی مسکن و آرامش خاطر روح ایران پرستی تان ارام بگیرد. یکی دیگر از رسانه های دیگر که در لوسانجلس البته بهتر است نام کلاه گذاشتن بر سر مردم و پول درآوردن بر آن)) مشغول روشننگری که بطور شبانه روزی مشغول روشننگری مردم می باشند و میزگرد تشکیل داده با ((نهاد فرطزاد از امام کرم و ی زوره ناپشش ملته و را که قباسل ۵۰ زوزنامه نویسانی که گویا ویا دران زمان گه پهلوان پنبه)) به گفته خود روزنامه نگار، ساواک جهنمی شاه عاری از مهر روشننگری کرده و مردم را از حقوق و خواسته ((روزنامه ها کاملا ازاد و مستقل بوده موفق نشده و مردم نتوانسته اند از تزهایی، ولی به دلیلی نامشخصی، هایشان آگاه می کرده تصمیم گرفته که از طریق تلویزیونی در ایشان درک درستی داشته باشند و حاله لوسانجلس همان فکر و اندیشه را به مخ مردم ایران زمین طزریق کند که نتوانسته بود به و وظیفه خطیرو ملی خود را به خوبی به انجام، سال به آن برسد ۵۰ صورت آزاد به مدت واقعا آزشنیدن چنان اراجیفی از طرف نادانان و ابله هان هم کم می آورد و انسان!!!!، برساند چون اگر غیر از این می بود بسیار، البته هم باید چنین باشد، هم به بیماری خنده دچاری شود ولی اگر بدانیم که نوشته های این روزنامه نویس کهنه کار که تنها به شگفت آور می شد مهرورزی و ازاد منشی و مدرن بودن و انسان دوستی و دمکرات منشی و قدرتمند بودن و در یعنی جنابعالی حاجی محمد رضا شاه عاری از مهر، در مراحل تکامل نهایی انسانی آخرین جلا آنگاه به خوبی درمی یابیم که چرا این مردم ایران روشن نشده و به این،، و است و بس را به زباله دان تاریخ (روزنامه نگار) بهمن دست زده و شاه عباس اقا ۲۲ اختشاشات نادانی و ابله هی زهی از بی خردی و، انداخته اند

رئیس اصلی این رسانه که اگر تنهابخشی از روزه خوانی و روشنگریهای ایشان را در باره بزرگی و کوروش و داریوش و آخرین فرزندشان محمد رضا شاه (بخوان خونخواری) انسان دوستی هیچ یک از کامپیوترهای دنیا هم قدرت و توانایی نگه؛ این نوشته که هیچ، ای کرد اشاره،، به برنامه، این رئیس بزرگ با نوع باد و وضع موجود روز ۰۰۰ داشتن این همه اراجیف را ندارد ریزی پرداخته و چنان از کوروش و داریوش به روزه خوانی می پردازد که انگار مشکل مردم به همین، این است که کوروش و داریوش را به خوبی نشناخته اند و دیگر مشکلی وجود ندارند این!!!! باید گفت مرحبا به چنین فرزندان کوروش،، دلیل وضع مردم به این نابسامانیست با تعریف و تمجید از رضا شاه قلدور و حاجی، آقایان نادان و جیره خواران رژیم سابق محمد رضا شاه چنان به اراجیف و دروغگویی می پردازند که اگر خودم که بهترین سالهای زنده به آسانی به این، م گیم را در دوران خفقان و شکنجه و گرسنگی و بی عدالتی این رژیم نبود این ابلهان این حقیقت را نمی فهمند و یا نمی خواهند بفهمند که هنوز،، اراجیف باور می کردم

فدیه به هم هدیا و ماه در کک یلشم یژرفرطه به به کت سای اهلولگن یرخان یا هلمب،،،
ا مردم دیگر خانه نشین مدیا، به معنی دیگر اگر این گلوله به هدر رود که رفته،،،، بخورد
بدبخت برای ان ملتی!!!! ر ظهور امام سیزده هم از چاه جمکران باشیم مظلوم شده و منت
که آخرین گلوله اش از طرف ابلهانی چون شاه زاده ای ان هم چون شاه زاده ای که دقیقاً،
نماینده گی می کند و چنین سرمایه ای فارس را، تک ملیتی، تک زبانی، شئونیسیم تک حزبی
داشته باشد

دور، همان روزنامه نگاران ابله و نادان، از تلویزونی که متعلق به خودش می باشد، شب بعد
شاه زاده گویان او را چون یک سردار پیروز برگشته از جنگ، ایشان جمع شده و شاه زاده
بردن تمام امام زاده ها و از از فردای ایران و از گرفتن پستهای گوناگون گرفته تا نام، آمده
ولی حتی یک دفعه هم از دیگر، تمام احزاب چپ و راست و مذاهب گفت و شنود می کنند
تنها به خاطر وحشت ازادی واقعی، ملیتها سخنی گفته نمی شود و اشاره ای نمی شود
گوینده اصلی با صدای بلند، ز گفت و شنود بعد!!!! مردم ایران و تجزیه ایران مقدس شان
من رسماً رضا، خانمها مردم ایران، بله آقایان، عین این عبارت را به دفاعت به زبان می آورد
من رسماً شاه زاده را تنها کسی که شایسته گی!! شاه کبیر را قهرمان ملی اعلام کرده
۱۰۰۰۰ به زیبای خود خاریجی ها سخن وری می کند زبان زنده دنیا را رهبری و تنها کسی که
رضا، عیار رضا خان قلدور به فروش می رسد ۱۸ سکه ۱۰۰۰ امشب..... لیاقت
شیا هم که چن دید ز اماما، قلدوری که من هنوز زاده نشده بودم که او به درک واصل شده بود
خون خواری و ددمنشی و جنایتکار و بی رحمی او را از پدر چون، لرزه به اندامم می نشیند
بزرگان و پدران فراوانی شنیده ام و اکنون عکس وحشتناک این ادم کش را بر روی صفحه
و به امید گرفتن دوباره قدرت و نشستن بر، تلویزیون آورده و سکه او را به فروش می رسانند
!! صندلی سلطنت و تغییر عقربه تاریخ به عقب

از خود سوال کرده اند، راستی کسی از این مدعیان ازادی و دمکرات بودن این دو پدر و پسر
چرا، که چگونه است دو شاه که ان همه دمکرات و مدرن و مردم دوست و آزادی خواه بوده
؟؟؟؟؟؟، گورهایشان دور و بیرون از خاک پاک اریایی مومیایی شده اند
• کار کار انگلیس است • یا ساده و ابله هانه است جوابشان بس
از آفریدگار آرزوی کمی فکر و اندیشه و انسان دوستی و انسانیت و خرد برای این کوتاه اندیشان

!!!! هر چند از دست افریدگار هم کاری بر نمی آید • ابله دارم
آخرین خبر و مبارزه از ابله هان و بی خردان دارای شاهزاده چهار زبانه !!
آقایان، خانم ها آی مردم ایران زمین، این تنها صدای ازادی مردم ایران، این
یگانه صدایی که اجازه نداد پرچم سه رنگ کوروش و داریوش گم و ناپدید شد!
این تنها صدایی که هنوز منشور کوروش و داریوش و با کمی پاکنویسی از طرف
شاهزاده تبدیل شده به یک منشور بزرگ نه تنها برای کره زمین بلکه برای

با اطمینان به یقین ۹۹،۹۹ درصدی (من معتقد نیستم ۱۰۰ درصدی وجود) می شود تشخیص داد که این ابله تنها به خواندن شاهنامه وقت صرف کرده ولی هنوز نمی داند و نمی فهمد که رستم؛ خانم یا آقا تشریف داشتند!!!! فعلاً اوضاع کمی آرام به نظر می رسد و منتظر اتفاق دیگری در تهران می باشند تا دوباره به هاتبرگ رفته و مبارزه را ادامه دهد. اجازه می خواهم چند صفحه یا سطر به عقب در جنگ کردستان حزب توده از هر شیوه ای، همان طور که پیشتر اشاره کردم، برگردم استفاده کرده و برای از بین بردن (حدکا) برای زربه زدن به حزب دمکرات کردستان ایران رظ حدکا چه از طریق نفوذی و اعضای سابقش و درست کردن انشعابات گوناگون و چه از دستقیم از همه گزینیه ها به نفع رژیم جنایتکار خمینی و علیه مریغایم یقتسم روطه بی ماظن ولی شئونیهستهاو، حدکا استفاده کرد ولی هرگز به پیروزی نرسید و به ارزشهایش دست نیافت این بار از راه، دشمنان مردم کردستان که از این سیاست سرخورده و سرشکسته شده بودند به ناگهان سروکله کسانی ناشناخته و بی نام و نشان که از تهران و دو دری دیگری وارد شدند دیگر شهرهای ایران وارد کردستان شده بودند پیدا شده و در کردستانی که هنوز دارای یک می خواستند یک انقلاب (البته هم اکنون هم نیست) نفره نبود ۱۰ کارخانه تولیدی صنعتی لنینستی را در کردستان تولید کرده و سپس با همان زبان و خون شئونیهستی مارکسیستی با نفوذ کردن در نانوایانها و کوره های اجریزی کردستان، آریایی فارس دارای قدرت غالب تشکیلات کارگری درست کرده و بعداً از طریق جاده های خاکی و به وسیله اسبها و قاطرها، کم کم به دیگر شهرهای ایران مخصوصاً به شهرهای تهران و قم و مشهد و کاشان و نجف و ک و بعداً!!!!، کربلا و و و و و و و و و صادر کرده و حکومت مارکسیست لنینستی خود را برقرار کنند هم از ایران کم کم به کشورهای دیگر دنیا صادر کرده و کره خاکی را تبدیل به همان بهشتی هدف دقیقاً، کنند که همان امام زمان از طریق خمینی به مستضعفین جهان وعده داده بود رنگ آمیزی عوزردی اله قیلس و ی صخش ت ا ف ل ل ت خ ا ی م ک ا ه ن ت ه م خ و ا ن و ه م س ا ن و ی ک س ا ن ب و د ا ن ب ه ش ت و ع د ه د ا د ه ش د ه و ج و د د ا ش ت ک ه ا ن ه م ب ه ز و د ی ب ا پ ا د ر م ی ا ن ی ط ر ف س و م ی ب ه ا ن ا و ل ی ر ن گ س ی ا ه د و س ت د ا ش ت و ا ن د ی گ ر ی ب ه ر ن گ ق ر م ز ع ل ل ا ق ه ش د ی د ، ، ت ف ا ه م ر س ی د ن د !! ه م ی ن و ب س ، ، د ا ش ت

این دکتراهمان طور که قبلاً اشاره کردم دارای چند، چون خودم، تا اینجا اشکالی نیست هستم و اتفاقاً دکترای سوسیالیستیم یکی از آنها بود و چون رشته تخصصی من در با این، شناخت اقتصاد و سوسیالیسم علمی در جامعه مدرن و صنعتی چون کردستان بود شود بر بعضی از نابسامانیهای سیاسی و رفقا مشکلی نداشتم و گمان می کردم که می ، ر گرفتن مرحله های تکامل اجتماعی ظاقتصادی تقریباً دوران فئودالی و بدون در ن این روفقای آمده از!!!، اقتصادی جامعه پرش کرده و به جامعه و اقتصاد مارکسیستی رسید میل نداشتن کوچکترین پایه گاه سیاسی و اجتماعی در بین مردم دیگر شهرهای ایران بدلا بسیار مودیان و با شعارهای مردم فریب بسیار خزننده وارد سازمان زحمتکشان، کردستان

شده و هر روز علیه حدکا منشور و اعلامیه‌ای صادر می‌کردند که آی(کومله) کردستان ایران بعد از چندی سر و کله شخصی پیدا شد به،، ه سرمایه داری و بورژوازی است حدکا نمایند در بین مذهب‌یون در گذشته های دور مرسوم بود که اتفاقات کمی))،، نام منصور حکمت چون باران یا برف باریدن و یا زلزله و یا رعد و برق در آسمانها وووووو دیگر را حکمت، عجیب، برآستی آمدن آدمی چون آقای منصور حکمت هم به کردستان،،((خدا یان خود می پنداشتند هر روز از!!! حکمتی بود از طرف خدایان بر سر مردم کردستان ولی از بدترین نوع ممکن آن و، طریق مستقیم این ملای قرمز نما علیه سرمایه‌دار بودن حدکا منشوری صادر می شد مصلماً و عادتاً جوابی هم از طرف مقابل یعنی حدکا دریافت می کردند و بدین صورت هر قرار می داد و آقای روز فاصله بین کومله و حدکا بیشتر از پیش می شد و آنها را در مقابل هم منصور به مانند هیزمی بود برای بیشتر شدن و شوعله‌ورتر شدن این جنگ نامقدس و این جنگ خانمان سوز را به مردم!!!! برادرکشی بین دو حزب اصلی کردستان تحمیل، ملی دمکراتیک خود برخواسته بودند زحمتکش کردستان که برای احقاق حقوق بعد از مدتی بدلیل کم تجربه‌گی،، کرده و خسارات بسیاری را به مبارزه کرده‌ها وارد آورد اعضای کومله و این واقعیت تلخ که همگی آنها کتابهای لنین و مارکس و تروتسکی و دیگران بودند و به کمک آقای منصور برداشت‌ظفح آبیرقتار مراهچ و مرا از ترجمه های دسته سو و ناواقعی از جامعه ایران و کردستان داشتند و هر روز فاصله ها و، عقلانی، کاملاً غیر علمی این وضع دهشتناک که به مردم کردستان ۰۰ جنگ بین حدکا و کومله بیشتر و بیشتر می شد ۰۰۰۰۰ تحمیل شده بود تا مدتی ادامه داشت

کردستان پا به عرصه سیاسی و که با کوشش و تلاش بهترین فرزندان ک **کومله ناگهان**

و کومله، شد **حزب کومونیست ایران** یک شبه تبدیل به، اجتماعی نهاده بود این کودتا در حالی به وقوع پیوست،، تبدیل به شاخه کردستان حزب کومونیست ایران تشکیل شده از جوانان مبارز، اعضای این حزب تازه بدنیا آمده ۹۹٪- ۹۸٪ که بیش از،، کردستان بودند

و در یکی، یکی از سیاستهای اصلی حزب کومونیست تازه بدنیا آمده مبارزه علیه حدکا شد از منشورها آقای منصور حکمت تا آنجا پیش رفت که از بین بردن حدکا مهمتر از مبارزه و با آوردن تئوریهایی که فقط از توبره امام زمان و،، است جنگ یا سرنگونی رژیم خمینی کوزه صوفالی کوروش و داریوشی می توان بیرون آورد به سیاست تکه تکه کردن نیروهای و بعد از مدتی همان روفقایی که او را به اریکه قدرت رسانده،، سیاسی کردستان ادامه داد مرتجع و بی سواد خطاب می کرد و بعد از مدتی دیگر به، ناسیونالیست، ربودند آنها را حقی، همان شیوه که خودش سناریوی از بین بردن کومله و تبدیل ان به حزب کومونیست ایران این بار سناریویی را نوشت و به اجرا گذاشت که به یکی از شاهکارهای، را کارگردانی کرده بود بها در کردستان بلکه در سرتاسر گیتی تبدیل شد و هم اکنون شاهکار این ابله سیاسی نه تن

را در بخش وسیعی از خاورمیانه و (ارتودوکسی حکمتیست) بی‌غرد ما خولای کاملاً که ما ان، شمال و جنوب افریقا که از همان تزی این بی‌سواد نادان شئون‌یست استفاده کرده حزب) را به نام بهار عربی می‌شناسیم این تزی درآورده شده از چاه جمکران به اسم ه‌نامیده شد که بعدها به چند شاخه‌دیگر تقسیم شد (کومونیستی مارکسیستی حکمتیستی و اگر آدمی بخواهد تنها با آوردن و نوشتن نام آنها و دانستن فرق و بینش سیاسی و جهان بینی این نوادگان کوروش و داریوشی سری درآورد و بداند که معنی این تزیها چیست باید به ه‌ای و احمدخامی‌خامن، مطهری، صدها دانشگاه‌ها که اوستادهایی چون مکارم شیرازی وایت ولله دانشمندو کاشانی و دیگر آخوندهای نمازجمعه‌ها را داشته باشد که از فهم و شعور و فلسفه ان چنانی برخوردار باشند تا از کارگری حکمتیستی و کارگری غیر حکمتیستی چیزی فهمیده شود.....

نام اما در لباسی دیگر و، این همان شئون‌یست و شیعه‌ائیسیم قدرت طلب نوادگان آریایی است دهان پرکن

سال حتی نتوانستند یک تشکیلات کارگری تا ۳۳ از عجایبات روزگار در تمام مدت این،،، یا یک تحصن کارگری یا غیر کارگری را در داخل یا خارج سازماندهی، پیر کارگری راغ،،،، کنند

ولی، با این سوال ناخوشایند، بعد از گذشت دو دهه از این وقایع اگر کسی که در این دوران بوده کامل‌منطقی روبرو می‌شود که این ابله‌هان که به کردستان آمده بودند واقعاً ابله و نادان؟ یا وظیفه‌ای را که از جماران گرفته بودند را به خوبی به انجام رساندند یا مائوریتی؟ بودند سیر تحولات سیاسی اجتماعی در دنیا و از بین رفتن سوسیالیسم موجود و فرو ریزی دیوار برلین و بیرون رفتن حکمتیسیها از کردستان و برگشت عده‌ای از آنها به ایران و نقل کم کم همان جوانانی که به!!! تمامی دیگر اعضای باقیمانده به کشورهای امپریاستی مکان ش‌خ‌به‌ب و ه‌داد نامزاسار دوخه‌را بود ن‌دوب‌هدشل‌کشته‌ن‌اشم‌درمی‌یا هری‌وزرا و دیما هایی از کردستان برگشته و همگام با دیگر احزاب کردی از جمله حدکا برای احقاق حقوق ملی و دمکراتیک و مترقی مردم کردستان با هم و در یک صف علیه رژیم جنایتکار قرون و دشان ادامه می‌وستایی متحد شده و به مبارزه تا رسیدن به اهداف والای انسانی خ تجربه بسیار خوبی و با ارزش برای آیندگان و نسل‌های بعدی جامعه کردستان خواهد‌دهند • بود ولی افسوس که هزینه سنگینی برای آن پرداخته داشت

حال گللیه ایی و سوالی که تا اندازه‌ای مرادچار شک دوگانگی کرده که

ارزودارم من در اشتباه کامل باشم در مورد شخصی می‌باشد که از دور می‌شناسم و احترام زیادی برایش داشتم و دارم تا عکس ان برآیم برملا نشود، این دوست عزیز آقای **پرویز دستمالچی**، (در ترورو فاجعه رستوران میکونوس ذخمی شده و یکی از مهم‌ترین شواهد جنایت اخوندها) چندی پیش

دریکی از تلوزیونهای بی خردان با همان ابله‌بیعتی ظاهر شده و بر روی همان صندلی که چندی قبل، اجیرخوار و جاش شناخته شده برای مردم کردستان قانعی فر که دست پرورده و فرستاده شده این بار یک کرد زبان که دقیقاً فرستاده شده برای خدمت کردن به آخوندها و به شئون‌نیستهای نادان و بی خردتا به خیال خودش حدکا و کومله را افشاکنند! و برای آخوندها لابی‌گری کند این با رستمیماً از طرف محسن رضائی این جلد کردستان و اوین چون قبلاً از سرداران سپاه پاسداران شیعیسم و شوئیسیسم فارس زبان دارای قدرت، زیاد تشریف بردند به لوسانجلس و به روشنگری و درس دادن دمکراسی از همان شیپورهای ابله‌هان و بی‌سوادان، قاتلین، تبدیل به دکترا و پژوهش‌گر، گنجی‌ها و سازگارها،،،،، فرستاده شده‌اند.

نشسته و اظاهر می‌دارد که همیشه زنده یاد دکتر صادق شرف‌کنندی دوست نزدیک ایشان بوده و او خود را همیشه از هر ایرانی، ایرانی ترمی شناخته، خوب دوست عزیزاگر چنین است شما می‌بایست از این اعلامیه دفاع و این ابله و بی‌خردان را بیشتر از پیش افشا می‌کردی، یا شاید فکر می‌کنی که با از دست دادن رهبران فقید کرد، شاید اهداف حزب دمکرات کردستان ایران (حدکا) تغییر کرده، ((مهم تر از تمام اینها، تروریست خواندن حدکا و کومله است! باید به این احمقان و ابله‌ها و ضد‌مردمان دیگر گفت که اگر چنین است. باید بگوییم که سخت در اشتباه هستی یا خود را به نادانی و ابله‌ی می‌زنید، چون عملیات تروریستی و حشت و ارباب و هرج و مرج ایجاد کردن در بین جامعه و مردم نی دفاع با بمب‌گذاری و عملیات تروریستی در قلب تهران و دیگر شهرها، یا گروگانگیری و هواپیما‌روبایی اسانترین کم‌هزینه‌ترین. چه از نظر مالی و چه از نظر تلافیات جانی برای حدکا و کومله بود و در همان حال بهترین اثرات و منعکس کردن مبارزه ملی دمکراتیک کردها هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی می‌توانست باشد، اما شخص دوکتر قاسملو این حقیقت را بارها و بارها به رسانه‌های خارجی اشاره کرده که برای کردها بسیار اسانتر و کم‌هزینه‌تر و با انعکاس بیشتر است، ولی در تمام این مدت و حتی هم اکنون حتی برای یک بار از این این شیوه غیر انسانی و غیر اخلاقی استفاده نشد، و به گمان من یکی از مهمترین دلایل احترام و نزدیکی احزاب دمکراتیک جهان از جمله احزاب سوسیالیست و مترقی و دمکرات اروپایی و کمونیستی مترقی چون حزب کمونیست فرانسه، و تمام احزاب سوسیال‌دمکرات و لیبرال اروپای آزاد، را به

مبارزه کردها نزدیکتر کرد، (البته نه احزاب به نام کمونیستی که تحت
قیمومیت روسیه شوروی بودند و نه جوجه کومونیستهای ارتودوکسی حکمتیستی
) و این احترام و نوع مبارزه یکی از دلایل مهمی بود که اولین حزب سیاسی و مسلح
خاورمیانه توانست برای اولین بار وارد احزاب سوسیال دمکرات های دنیا شده و
بعد از مدتی به عضویت رسمی شناخته شد.....ولی ابلهان بی فرهنگ و
شئونیستی نمی توانند این حقیقت را درک کنند....))

دکتر قاسملو بارها نوشته و گفته که بهترین راه تقسیم قدرت و رسیدن به
ازادی راستین مردم همان فدرالیسم است، ولی به همین دلیل ساده و عقلانی که
خود را وکیل و نماینده دیگر ملیتهای ایران نمی دانست، شعار دمکراسی برای ایران
و خود مختاری برای کردستان ایران شعار اصلی حدکا شد، اگر به این هم بسنده

نمی کنی باید یادآوری کنم دکتر قاسملو در کتاب خود،، **کردستان و**

کرد،، که هم اکنون در بیشتر دانشگاهی جهان به عنوان یکی از بهترین و

موثقتترین و علم ترین منبع موجود تاریخ کردستان استفاده می شود، ((ولی در
همان ایران باستان بدلیل داشتن ان جوانان به جوخه اعدام فرستاده شده و می
شدند)) در همان کتاب که در سال ۱۹۵۷ نوشت و در سال ۱۹۶۳ در جمهوری چک
به چاپ رسید،

به صراحت کامل نوشته و از نظر رئیسی و سیاسی، علمی،، نه تنها مردم کردستان
را یک ملت می داند، بلکه با صراحت تمام می نویسد که اگر روزی این مردم تحت
سلطه بیگانگان جدا شوند این نه تنها جدایی نیست بلکه به هم پیوستن دوباره یک
خانواده و یک ملت است ۰۰۰ در خود فرو می روم و به رستوران میکونوس فکر می
کنم ایا نخوردن تیر خلاص که به آقای دستمالچی زده نشد (که واقعاً از
ان خوشحاکم) همان اندیشه و سیاست نکبت بار و شئونیستی، خودی بودن یا
ناخودی بودن است یا؟؟

به راستی این همه اندیشمندان و دانشمندان شئونیسم فارس زبان، هرگز لحظه ای
این سوال ساده را از خود کرده اند، که اگر حدکا از همان اوائل بعد از انقلاب که
حداقل ۱۰۰۰۰۰ مردان و زنان مسلح داشت به اضافه مردم عادی که همه دارای
اسلحه بودند و یا بعداً که به ناچار برای حفظ بقای ملت خود با یکی از
درنده ترین و خونخوارترین رژیم های قرن بیستم به جنگ پارتیزانی متوسل شد
،،، مثلاً اگر شعار اسقلال و جد شدن می داد، از ابله هان و بی خردان شئونیسم

فارس درلوسانجلس یا از عمامه بسران و نعله پوشان شیعه جماران وحشت داشت ؟ از مجازتهایی دیگری بدتر از ،، شکنجه و زندانی کردن جوانان یا اعدام کردن آنها بعد از تجاوز جنسی دسته جمعی از طرف نوادگان کوروش و حسن و حسین کربلا ، که بعداً برای تحویل دادن جنازه ها به بستگانشان درخواست هزینه گلوله های بکار رفته برای اعدامیان می کردند ؟ یا از ترس ترور و حذف فیزیکی شان ؟؟؟؟ براستی حدکا از چه مجازاتی وحشت داشته که علیه او عمل نشده باشد ؟؟؟ این سوالی است از انهایی که هنوز به انسانیت ، آزادی ، قوق بشر ، دمکراسی همزیستی ، و باور به دارا بودن حق و حقوق مساوی و دراین باورند که ملت برتر وجود ندارد جواب داده شود .

حال اندیشمندان و دانشمندان و تعدادی کرد زبان که نان سر سفره های خودشان را اجباراً از شئونیستهای فارس زبان دریافت می کنند ، سخنانی تا حد تهوع آور شده و دیده می شود ، و برای به اثبات رساندن تئوریهای درآورده شده از چاهی که گویا امام زمان و مهدیشان در آن خفته و یا از کوزه های داریوش و کوروش ! با آوردن چند اسم از کردهای فعال و اصیل و مترجم و نویسنده و نوشتن اینکه شعبه ای از حدکا و کومله با این اندیشه گنبدیده تصور می کنند که مشکل ملیتهای دیگر را حل می کنند ، و امضا هم جمع می کنند که لا بد فردا پس فردا به منشور دیگری اما با رنگ دیگری تبدیل شده و مردم ایران را به سعادت و خوشبختی می رسانند ،، ذهی از بی خردی و عمق شئونیستی آنها ! از این اراجیفها را به اندازه ای شنیده و دیده ام که برایم تهوع آور و مسخره است ،، از محمد قاضی ها و یونسی و دیگران می نویسند ذهی از بی خردی و بی خبری ، تنها یک مثال : اگر بدانید که محمد قاضی چه خون دلی می خورد که نمی تواند به زبان مادری خودش ترجمه کند ، شاید هرگز چنین اراجیفها و قورباغه هایی از دهان گنبدیده شئونیستهای فارس به بیرون نمی پرید ، اضافه کنم از همان محمد قاضی هستند کتابهای ترجمه شده به زبان کوردی که نه تنها هرگز نتوانست به چاپ برساند ، حتی رژیم وقت عراق را تهدید کردند که این کتابها نباید به چاپ برسند ! و تنها افراد معدودی می دانند که این کتابها در کجا زیر خاکها و غبارها ناپیدا هستند ! باورم فرمائید که هزاران بار اراجیفی چون ،، شما کردهای اصیل ایرانی و مرزداران دلیر و شجاع را شنیدام که این ایه های شما هیچ تاثیری در روند سیاسی و اجتماعی و تکامل جامعه نخواهد داشت ، بعضی از این شئونیستهای فارس زبان ادعا می کنند که کردها ایرانی اصیل و

مرزداران شجاع، شاعر و مترجمین و اوازه خوان چینین و چنان اشاره می کنند ولی هرگز از خوبی و نفع آنها برای من کرد چه بوده، سخنی به میان نمی آید؟؟؟؟ بعضی از شئونیهستها کمی بیشتر از اینها رفته و مدارک و اسناد هم به وفور ارائه می هند، که کوروش در اصل کرد بوده، همچنین فردوسی

آن شئونیهست دیگری با بوق و شیپور و کرنا می فرماید صلح الدین ایوبی کرد بوده و آسلاّم و مسلمین را نجات داده غیره و اراجیف مشابه !

بگذارید شما را راحت و اسوده کرده یا بیشتر وحشت زده کنم،،

چه داریوش هخامنشی و چه امام خفته در چاه جمکران و چه فردوسی و چه رستم و دیگران، که اگر با علم و تکنیک د آئی ثابت کنید که اینها کرد اصیل بوده یا نا اصیل، در مشکل امروز من کرد هیچ پزیشی ارزش ندارد، به این دلیل ساده که من کرد در فقر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زبانی و غیره نگه داشته شدم و به من، به معنی واقعی کلمه ذولم و ستم به بدترین نوع ممکن قرار گرفته ام، از این ساده تر و روشنتر؟

حال که هر روز شاهد بیرون آمدن یک منشور پیکی از این و آن که صادر می شود رامی بینیم، و از همه معضلات مردم هم اشاره کرده ولی به محض رسیدن به حق و حقوق اکثریت مردم، که بهترین نوع حل آن که هر کسی الفبای سیاسی و جامعه را بداند به این اصل ساده باید آشنا باشد، و آن فدرالیسم است که باید بر واقعیت موجود ایران تنظیم و پیاده شود، اینجا دیگر برای شاهزاده گان و اندیشمندان و دانشمندان شئونیهستی تابو، غیره مجاز، ممنوعه و مرزی قرمز شناخته می شود !!

این منشور و امضاها دیر یا زود به مانند همان حباب روی اب هوا می رود، آنچه می ماند جامعه و معضلات آن است،،، می توانم سوال کنم منظور از آوردن منشوری دیگر با امضا عده های کرد زبان در این جا و آنجا مثلا ایران پرس نیوز (که احترام زیادی برای آن دارم) هر چند آنها هم بدون تابو نیستند،!! این امضا چه سود و امتیازی برای مردم، علیه رژیم در بر دارد یا می تواند داشته باشد؟؟ آیا براستی فکر می کنید با این نوع منشور نویسی و یا امضا جمع کردن، کومله و حدکا را و مردم کرد را از بین می برید و دیگر خوااموش می شوند و دیگر از حقوق و حق انسانی خود می گذرند؟؟ اگر چنین تفکر و اندیشه ای دارید باید برایتان کمی تقاضای ادوات و درمان صادراتی رژیم وارث ۲۵۰۰ ساله ایران کنم ولی متاسفانه نمی توانم به آنجا سفر کنم !!!!!! در کجای دنیا دولتی، حزبی، سازمانی را می

شناسید که تمامی اعضای ان ملیت دارای یک تفکر و اندیشه و صلیقه حاله در هر موردی باشد می توانید پیدا کنید؟؟ بدون شک نه تنها ملیتی را نمی یابید حتی یک خانواده ۵ نفری را هم نمی شود پیدا کرد که دارای همان تفکر و فکر، هم صلیقه و هم اندیشه باشند.

مگر اینکه به چاه جمکران مراجعه به فرمایید، و اگر غیر از این باشد، کمی مرا به خنده می آورید، برای اینکه اگر همه دارای یک نوع فکر و تفکر باشند، حتماً شما هم برای رزرو کردن جایی بهتر در بهشت آن یکی دنیا پای پیاده به نجف و کر بلا و مکه تشریف فرما شده اید!!!! آیا شده اید؟؟؟؟؟؟ سرسام اورترو و حشتناکتر از تمام اینها، روزی که کردستان سنگر آزادی و دمکراسی شناخته می شد و هنوز هم هست و متأسفانه تنها منطه ای که در چند سال گذشته به طور منظم و سازمان داده شده و به درخواست احزاب سیاسی خودتحصن عمومی که به شواهد خود مردم از ۹۰ تا ۷۰ درصد مردم در ان شرکت کرده ان هم در زیر نعله های بسیجیان و پاسداران و به وسیله شکستن و نشانه کردن بازاریان و گرفتن و اعدام روزانه جوانان کردستان، و این همه جنایت، مردمی که هنوز با نوع پوشیدن لباس؛ نا؛ به رژیم می گویند!! به یک دفعه مردم کردستان و احزابش را تروریست و آتش افروزو جنگ طلب نامیده می شود، اقایان حداقل ۶۵ سال فقط در دوران معاصر از طرف آخوندهای شیعیسم و شئونیسیم فارس و توده ائیسیم و مائوئیسیم و حکمتیستها را شنیده ایم و باور بفرمایید، کوچکترین ارزشی ندارد.

لازم نه می بینم در مورد انشعابات که توسط و به همکاری توده یهای پیرو خط امام، که بر سر مردم کردستان عموماً و حدکا خصوصاً آوردند سخنی بگویم چون قبلاً به ان اشاره شده، ولی اگر با این درک ابلهانه و احمقانه و با این تصور غلت که می خواهید هم خود و هم دیگران را فریب دهید، باید به شما گفت مرحبا!!! اگر می فرمایید که یکی از شعبات کومله و حدکا اعلامیه داده، عجب!!! باید گفت که این اول کار است و ای کاش شماها هم قدرت و عرضه درست کردن و سازمان دادن نه تنها یک حزب بلکه صدها حزب را داشتید که این مردم به ولی فقه احتیاجی نداشتند، ولی افسوس!!!! این حقیران و شئونیستها فارس به این بسنده نکرده و به دولت نوپا و نوجوان خودمختار کردستان جنوبی تاخته و به ان پارس می کنند،!!!! که به گفته زوزنامه های مستقل اروپایی، امریکایی و منطقه ای با تمام کمبودهایی که دارد، که این خود یک فرایند و تکامل هر جامعه نوپایی می باشد، بدون شک شما دانشمندان می دانید، یکی از دمکرات ترین دولتهای

منطقه است، ان هم در محاصره سه دولت جانورو خونخواری چون رژیم ایران و عراق و ترکیه و گویا این دولت خودمختار، نوپا به دست بیگانگان درست شده و تمام تاریخ مبارزات این ملت و قتل و عام آنها را فراموش کرده و حلبجه هانادیده گرفته و دست بیگانگان که مشخصاً باید پنهانی کار کرده باشند، را به خوبی می بینند!!! شئونیسیم و شیعیسم فارس در هر رنگی خود را دیر تا زود نشان خواهد داد،،، در اینجاست که می شود به ازادمنشی این دانشمندان و اندیشمندان و جامعه شناسان و فریخته گان دمکراسی، را محک زد و به سردرگمی و شئونیستی آنها را برملا کرد! این جامعه همان دولت خود مختار و جامعه نوپای عقب مانده است که هم اکنون مردمانی که در زیر دامنشان آریایی و وارثان حکومتهای ۲۵۰۰ساله زندگی می کنند، برای چند روزی دوری از افسردگی عمومی که بر مردم تحمیل شده، دست به فرار از دست دژخیمان ویاتنها برای پوشیدن لباسهای دلخواه و یا جشن نوروزی خود از شهرهای، تهران و شیراز و تبریز و ارومیه و کرمانشاه و سنندج و همدان و سقز تا کمی هوای آزادی و دور از بسیجیان و پاسداران و خواهران زینب به شهرهای کردستان جنوبی رفته تا برای مدتی هر کوتا،، نفسی تازه و بوی خوش آزادی را ببینند!! کور شود اندیشمندان شئونیسیم های فارس که نمی توانند آزادی مردمان دیگر را ببینند،، همینجا باید خبر سیاه دهشتناک و وحشتناکی و درد آور را به تمام شاهزاده پرستان و ولایت فقها و پیروان منشورهای دیروزی و امروزی و مارکسیستهای از نوع ارتودوکسی حکمتیسی، و شئونیستهایی که هنوز مشغول شاهنامه خوانی هستند برسانم، و ان اینکه این حکم تاریخ و رازی بقای بشری، همان تکامل جامعه است و از ان گریزی نیست، که ملتها هم به تکامل می رسند و برای اثبات این، من به چاه جمکران و کوزه های داریوش و کوروشی دسترسی ندارم، و خوشبختانه خداوند این موهبات الاهی و اسمانی را به بنده ارزانی نداشته و به ناچار به ۲ یا ۳ واقعیت، فاکت اشاره می کنم .

اگر تا دیروز مردمی را که ترکهای کوهی می نامیدند و مردمانی که حتی در خانه خودشان از تکلم به زبان مادری منع شده بودند، و حتی اجازه نام نهادن کردی برای فرزندان خود را نداشتند، و یا از ابتدائی ترین حق بشری برخوردار نبودند، و در آغاز هر سال تنها بخاطر جشن نوروزی کشته و شکنجه وزندانی می شدند تنها بدلیل سیاست مگاشئونیستی اتاتورکی!!! تا دیروز بدون هیچ نوع درنگی مردم را فقط بخاطر پارچه ای به نام پرچم اعدام و به

زندانیان ابد محکوم می‌کردند.

ولی اکنون شخص نخست همان رژیم به طور رسمی در زیر پرچم کردستان نشسته و مردم به مدرسه های زبان مادری خود می روند و نماینده های خود را به مجلس انتخاب می کنند، بسیار بسیار ابتدایی ولی تحت رژیمهای ماقبل تاریخی بسیار هذینه داشته و این تنها شروع آزادیست ،،... اگر من تا دیروز که می خواستم به بخشی از میهنم سفر کنم مجبور بودم هفته ها و ماهها در راه باشم و هم زمان با ترس و حشت از اینکه گلوله ای برای به بدنم اصابت کند، اللان از داخل خونه ام بلیطم را آماده و از تمام کشورهای اروپای، امریکایی مستقیماً یا با عوض کردن یک هواپیما به قلب بخشی از میهن آزاد شده ام ،، سلیمان و هولیر (ارییل) پرواز می کنم، فکر کنم بقیه را می فهمید . . اگر تا دیروز حتی با نویسندگان و سیاستمدان شهرهای مهد آزادی و دموکراسی و انسانیت و مدرن چون، واشنگتن، لوسانجلس، برلین، مونیخ، پاریس و ژوهانسبورگ، ژنو، اسلو و استکهلم و و و و و و کسی نمی دانست کردستان کجاست، هم اکنون در تمام دنیا زمانی از کردستان حتی با مردم عادی جامعه سخنی به میان می آید فوری به این سوال برمی خوری که از کدام بخش کردستان هستی ، می دانید؟ درک می کنند؟ می فهمید؟؟؟ یعنی چی ؟؟؟؟ این که شما شئونیستهای آریایی و جمارانی این را درک نکنید زیاده عجیب و تعجب برانگیز نیست !!!

مقایسه ای بسیار جزئی و سطحی بین طیفهای مختلف شئونیستهای فارس قدرت طلب و نتیجه گیری ترسناک و وحشتناک !!!

۱- شیعیسم فاس !! لازم نیست از چرندیات و اراجیف و خرافات و تئوریهای درآورده شده از چاهی که امام اخرشان در ان اسکان دارد و مشغول برنامه ریزی و درست کردن نرم افزار و سخت افزار برای برقراری یک جامعه توحیدی و بی طبقه و یک رنگ، زیر چادرهای سیاه رنگ می باشد، بگویم چون همگان می دانند ، که به چه صورت برترینهای مختلف، صدا و سیمای رژیم و مساجد مختلف در ایران و تازگیها در شبکه های گوناگون ماهواره ای در لوسانجلس و با فاصله نه چندان دور از شاهزاده پرستان شئونیست ، این مردم را به مسخره گرفته و به گریه و قمه زنی و خود آزاری تشویق کرده و کیسه پولهای خود را پرتو و پرتو می کنند!! البته برای بسیاری به مانند جوکهای فکاهی کمدی برای خنده و کمی دوری

از مشقات روزانه می تواند مورد استفاده قرار گیرد، از جمله خودم!!!!!!

نقطه قابل ذکر و تعمق بسیار از این ابله هان، از نظر تاریخی و خود بزرگ بینی این بی خردان است، همان طور که می دانید این اخوندها به صراحت تمام، و آوردن ایه های گوناگون و اقتباسهای اثباتی به این نتیجه می رسند که ایران اسلام را نجات داده و اگر ایرانیها نبودند اسلام به طور کامل از بین رفته بود، و امامشان در چاه جمکران بیکار می شد، اما اگر کمی به اراجیف گویی و قورباغه پرانی این حضرات توجه کنیم، به اسانی متوجه می شویم که در تمام موارد تاریخی نه تنها سال و مکان مورد نظر را ذکر می کنند، بلکه ماه و روز و ساعت، و حتی گاهی به وضعیت محیطی همان مکان نیز می پردازند، برای مثال در مکانی که فلان امام به شهادت رسیده، یا تشنه بوده و می خواسته ابی بنوشد، چند تا سنگ یا چند تا درخت در همان مکان وجود داشته!!! و یا اینکه در موقع شهادت و قبل از آخرین نفس به فرزندش یا جنگجویانش یا کنیزه هایش چه فرموده و چه دستوراتی را صادر کرده، از اینها فراتر رفته و گاهی به داخل اطاق شب زفاف ان امام و این امام رفته و اتفاقات افتاده را به بهترین وجهی تحریف می کنند و حتی از نوع حالتیهای مختلف همبستری امامانشان سخن می فرمایند!! و یا از وقت و مکان قضای حاجت و چگونگی امامان می گویند!! تمام اینها از زبان و دانشمندان و تاریخ دانان و محققین طراز اول شیعیان که ۹۹٪ آنها ایرانی می باشند گفته شده و می شود، و همزمان پیروان همان مذهب را فقط به دلیل اختلاف اینکه فلان امام یا ان دیگری چند روز زودتر یا دیرتر به حضور امام دیگری رفته، سرکوب و اجازه دادن یک مسجد را که مکان مقدسی برای همان مذهب هستند نمی دهند!! این تقابل و برخورد و تفکر احمقانه و بی خردانه و ابله هانه ما قبل تاریخی فقط می تواند از طرف کسانی شنیده شود، که تفکر شئونیستی و یا فاشیستی دارند، این واقعیت بیش از اشکار و بر ملا می شود که توجه داشته باشیم که مذهب یا فکری دلولوژی طبیعتاً جهان شمولی می باشد، و نباید تفاوتی با دیگر افراد دارای همان مذهب، ولی دارای فرهنگی دیگر و زبان و هویت دیگری دارند، داشته باشند،

۲- شئونیستهای شاهنشاهی مصلح به منشورهای کوروشی و داریوشی!!!!

باید بگویم آنچه در مورد شیعیسم ایرانی در بالا به ان اشاره شد، با شئونیستهای شاهنشاهی تقریباً ۷۰ تا ۹۰٪ تطبیق و هم خوانی و هم فکری و هم سویی دارند، و با توجه و بنا به اسناد و مدارک و گاهی وقتها از طریق سخن رانی که از خود محققین و دانشمندان و پژوهشگران اصیل آریایی، دیده و خوانده و شنیده می

شود، تقریباً در تمام دوران تاریخ اسلام، یعنی تقریباً یک قرن بعد از ظهور اسلام شاهان و وارثان ایران هخامنشی و کوروشی و داریوشی، یکی بعد از دیگری یکی از مهمترین دلائل مستحکمتر شدن وقوی تر شدن و ریشه گرفتن در بتن جامعه ایران بوده اند، (من از آوردن اسم سلسله ها و شاهان و زمان قبل از دوران معاصر خوداری می کنم همانطور که در مورد اول اشاره های نکرده ام) این هم سویی و هم خوانی و هم فکری و تفکر در مورد دید این دو طیف در نوع نگرش تاریخی کاملاً همگون و همخوانی دارد، اگر کمی به اراجیف و قورباغه پرانی های شاهزاده پرستان و شاهزادگان با دقت بیشتری گوش کرده و اسنادهایی که ارائه می دهند با دقت بهتری توجه کنیم، این هم خواهانی و هم فکری به خوبی مشخص می شود،

مثلاً، با صراحت کامل از چگونگی شاهان ما قبل اسلام سخن گفته که چگونه حکومت کرده و تا چه اندازه انسان دوست و ازاده و خلاق و مدرن بوده اند، آنها به راحتی از چگونگی برخورد این شاه وان شاه با اسیران جنگی گفته و تا این اندازه اراجیفی می کنند که حتی از تعداد اسیران و نوع پوشش و غذا و مکان آنها نیز مشخص کرده و به مغز مردمان تزریق می کنند، بسیار ساده و بی مهبا از گفتگوی فلان شاه یا فلان سردار جنگی صحبت کرده و گفتگوی آنها را مکتوب هم فرموده اند !!! یورشها و تصرفها و قتل و عام بسیاری از مردمان شرق میانه از طرف کوروش و نوادگانش دقیقاً بر عکس ان تحریف شده و ان را به ازاد کردن مردمها به مردم تلقین می کنند،، به همان شیوه آخوندی، این نوادگان کوروشی از سال و روز و ساعت و مکان شراب و عشق و همبستری این شاه و ان شاه گفته و عجیبتر و خنده دارتر از اینها دانستن و نام آوردن فرزندان همان همبستری که هنوز متولد نشده،، البته مشکل اینجا پیش می آید که نام دختر آمده ولی فرزند متولد شده تصادفی پسر تشریف داشته یا برعکس ان !!! از تاریخ و تمدن ۲۵۰۰ سال پیش چنان اراجیفی می کنند که این توهم برای مردم پیش می آید که انگار این اتفاقات دیروز افتاده، ولی زمانی که بیشتر به دنبال فاکت و دلائل ارایه شده می روی به زودی به این حقیقت می رسی که تمامی این قورباغه پرانی تنها افسانه و داستان سرایی، و دروغپردازی و نوشتن از طرف مزدبگیران و به دستور قدرت مداران وقت نوشته و در طول زمان هر کس دارای قدرت بوده آنچه خواسته به ان اضافه کرده و آنچه دوست نداشته پاک و یا به چاهی چون چاه جمکران انداخته شده، شاهنامه یکی از این اراجیفات مشخصه، این طیف است!!، داستان سرایی

و افسانه سرایی نه تنها بد نیست بلکه بسیار لازم و تاثیر خوبی هم می تواند داشته باشد،

همچون همه ملیتهای دیگر که هم اکنون هم ادامه دارد، برای مثال هم اکنون استودیهای فراوانی در سرتاسر دنیا به تهیه کردن فیلمهای تخیولی و یا ساینز فیکشن هستند و بسیار هم طرفدار دارد و همچنین کتابهای بسیاری که نوشته شده ،،، ولی در هیچ جای گیتی این افسانه ها نه تاریخ ان مردمان شده و نه مبدأ تاریخ نویسی ،، مگر در ایران ههخاهیها و از طرف وارثان و نوادگان آنها چون شاهزاده پرستان و بی خردان !!! به دفعات شنیده شده و می شود که مثلاً با یک خرمدین و یا پهلوان پنبه دیگری چطوری و در کجا و در چه ساعتی ایرانیها را نجات داده و یا چطوری برای همان شخصیت کلکی درست شده و به قتل می رسد و بسیار از این اراجیف ابله هانه، دقیقاً به مانند همان اخوندهای شیعیسم شئونستی !!! یا چگونگی درست کردن ۳۰۰۰ کشتی و قایق جنگی و حمله به روم که بدون کوچکترین و لحظه تئمول یکی از شاهکارهای دروغ گویی در طول تاریخ بشری است !!! بی دلیل نیست و بی جهت و اتفاقی نیست که آخرین وارث کوروش ادعا می کند که سلطنتش موهبت الا هیست و به دفعات خود را تنها پادشاه حافظ مذهب شیعه می داند !!!

هیچ کس جواب این سوال ساده را نمی دهد که چگونه ممکن است یک امپراطوری ۱۰۰۰ ساله با این همه مشایخ و مشخصه والا و مدرن نسبت به زمان خود و بعداً به یک باره با ظهور مذهبی که وارد شده از بین رفته و بعداً با تفاهم با همان مذهب به یک امپراطوری ۱۴۰۰ ساله دیگر حکومت و به ادم کوشی مردمان شرق میان ادامه می دهند؛ و در تمام این مدت هم قدرت و وسعت جغرافیایی خود را از دست می دهد؟؟؟ و هزاران سوال دیگر که در هیچ یک از کتوبی که خود اقایان به خورد مردم داده اند جوابی پیدا نمی شود، ،، مگر این که از خوبره و کوزه و منشور کوروش و یا چاه جمکران بتوان جوابی برای این سوالهای بسیار ساده پیدا کرد البته اگر به آنها دسترسی پیدا کنی باید بسیار هم شانس بیآوری چون به اندازه ایی از تئوریها در این خوبره ها زیاد است که به اسانی پیدا کردن آنها ممکن نیست !

چندی قبل از همان رسانه ای که مستقیماً با پول شاهزاده اداره می شود، گوینده و مدیر اول این تلویزیون به سرحاح قورباغهایی به بیرون پرید، و یکی از آنها با دلیل و کتاب و سند می خواست که ثابت کند که شیعه شدن ایران کلکی و سیاستی بود

از خود نوادگان کوروش؛ می شود کمی در این تئوری تئملی کرد، شاید در آخرین سالهای سطنتی کمی به دلیل اختلاف تقسیم سرور، با هم اختلاف پیدا کرده و انقلاب ۲۲ بهمن نا خوداگاه به وقوع پیوست!!!! برگردیم به زمان حال، بعد از آن همه کشت و کشتار و بدبختی و هذینه برای زندگی بهتر و جامعه ازادتر، حال شاهزاده پرستهای شئونستی در تدارک و سرگرم دوباره به دست گرفتن قدرت و چپاول گری ولی به جای عمامه و عبا، با کت و شلوار و کراوات، از این گرگ زاده سوال می شود که نظر جنابعالی در مورد ملیتهای غیر فارس چه می باشد؟ جنابعالی به ارای مردمی اشاره می کند،، سوال را کمی مشخصتر طرح کرده که آیا این ارا بر طبق چه ترکیبی و چه اصولی خواهد بود؟ آیا طبق زبان، مذهب، جغرافیا، و و خواهد بود،، با قاطعیت و عصبانیت تمام جواب می دهد که ارا باید سرتاسری باشد،، به معنی واقعی یعنی من کردستانی رای بدهم که مثلا مردم زابل به دلخواه و خواست من نوع و چگونگی سرنوشت خود را تعیین کند و یا برعکس آن!!!!!!

این همان سیاست ابلهانه و احمقانه و فریبکارانه شئونستی است؛ که ملیتهای دیگر را به جان هم و کشت و کشتار همدیگر بیندازد و خودش و دست بوسانش بر تخت سلطنت شاهنشاهی و بر تخت شاه شاهان نشیمن فرمایند،، این سیاست جنایتکارانه و خون خوارانه و ددمنشانه رژیم خمینی مدتی بر دو ملت تحت ستم آذری و کرد در منطقه نقده و اطراف شهر ارومیه بکار گرفته شد، و با قتل و عام دسته جمعی روستاهای گوناگون که مستقیماً از طرف حسنی مفلوک اخوند جلاد و نماینده خمینی رهبری می شد، که روستاهای قارنا و قللا تان که مردمانش را با قمه و شمشیر و داس و گلوله،، از زن و کودک و پیر و جوان تکه تکه و قتل و عام کردند به این امید که پیشمرگه های کردستان با انتقام و طلافی وارد جنگ نژادی و مذهبی شوند، ولی با بینش سیاسی و آگاهی رهبران کردستان این سیاست جنایتکارانه افشا شد، و سیاست رژیم به نتیجه نرسید!! در چنین لحظه ها باید شئونسیسم را شناخت!

حال این گرگ زاده و اطرافیان در اوج دروغگویی و مردم فریبی ادعا می کنند که با ۹۰٪ از جوانان داخل مردم در ایران از طریق نت در تماس روزانه هستند، و همه مردم اظهار پشیمانی از انقلاب ۲۲ بهمن کرده و در انتظار خواهان برگشت شاهزاده نشسته اند!!! ولی ایشان فعلا برای سفر عجله ای نشان نمی دهد، جالب است که این جوانان که گویا اضهار پشیمایی کرده اند در زمان

انقلاب هنوز متولد نشده بودند!!،،،، تعجب اورتر اینکه ابله هان شئونستی دواتشه شاهزاده پرست، فراموش کرده اند که حاجی محمدرضا زمان فرار از ایران بهترین نوکرانش را برای جوخه های اعدام خمینی تنها گذاشت ولی سگهای خوانگی خود را با غذاها و تجهیزات لازم سوار هواپیمای بوئنگ خود کرد و فراری شد..... در این جا من به مدت ۶ ثانیه و برای ۶ کلمه ایی که از شاه مدتی قبل از فرارش شنیدم، احترام می گذارم که عبارت بود. ((من صدای انقلاب شما را شنیدم)) ولی ابله هان و بی خردان و نوکران و جیره بگیران هنوز بعد از ۳۳ سال این صدا را نشنیده اند.

با کمال تاسف حتی برخی از جمهوری خواهان شئونست و کومونیستهای دواتشه؛ ارتودوکسی که به حقیقت هنوز نمی دانند، کومونیست با کدام س یا ص و یا ث نوشته می شود و توده ایهای که هنوز در چنگال دوگانگی پوتینهای روسی گیر کرده اند، و مخصوصاً حکمتیستهای با کارگر و بی کارگر هم در این طیف شئونستی قرار دارند. ((البیه نه همه)) شاید همانطور که نوادگان کوروش و داریوش در بسیاری از داده ها به جامعه بشری چون، آزادی، مدرنیته، دروغها و منشورهای همه رنگ و ساختن تاریخ دنیا همیشه اولین ها بوده اند، حتماً در برگشت تاریخ به قبل هم اولین ها خواهند بود، چون تا انجایی که من بدانم هرگز رژیم درهم ریخته و فروپاشی شده سلطنتی، دوباره به اریکه قدرت برنگشته! شاید با برگشت شاهزاده گرگ زاده برسر صندلی پدرش این اتفاق هم اولین ها باشد و تاریخ نویسی به جامعه بشری ارزانی دارند.

یکی از عزیزان بسیا گرامیم و کسی که بسیار دوستش دارم!! بارها شنیدن روزخوانهای آخوندها و یا روزه خوانی هخاهیهها و شاهنامه خوانها با خنده مخصوص و زیبای و شیرین خود، می گفت افریدگار به مردم دنیا خوبی و مهربانی کرده که در ۱۴۰۰ سال پیش و ۲۵۰۰ سال پیش نه ضبط صوتی و نه سی دی و به آفونی وجود داشت، در غیر این صورت صدای بادشکمشان را هم برایمان ضبط و تکثیر می کردند، این در حالی است که اگر ۱۰ نفر اکادمی ۵۵ ساله فارس زبان محقق را هر کدام در یک اتاق گذاشته و به انها قلم و کاغذی داده و از انها خواهش کنی در باره انقلاب ۲۲ بهمن بنویسند، که هم خودشان در ان شرکت داشته و یا حداقل دیده اند و همزمان رادیو، فیلم و ضبط صوت و روزنامه وجود

داشته ،، دقیقاً ۱۰ نوع سناریوی کاملاً متوافقت خواهی دید، ولی روزه خوانهای شاهنشاهی و آخوندی چنان داستانه‌ها و اراجیف بی سر و ته را به خورد مردم می دهند که انگار با خود کوروش و دار و دسته اش و امامان نشسته و با هم غذا و شراب نوش جان کرده‌ند و خنده دارتر و مضحکتر اینکه آن اراجیف و قورباغه‌پرانی را فرهنگ والای ایران زمین نامیده‌اند!!!!!! به کردی می گویند از بی خبران کشک صلاآوات!!!!

سخنی با حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله در مورد اعلامیه مشترک!

قبل از هر سخنی به تک یک هوادان و اعضا و رهبران شما تبریک گفته و دست شما را به گرمی می فشارم و با تمام وجودم در اغوشتان می گیرم ، عزیزانم هیچ شکی نداشته باشید، که تمامی مردم کردستان به همراه شما و پشتیبان شما در این اقدام تاریخی شما هستند، همچنین همه آزادی خواهان راستین پشتیبان شما هستند، و ارزوی پیوند مستحکم تر شما را در آینده ای نزدیک را دارم، عزیزانم آنچه که شماها به مدت نزدیک به ۳۳ سال به طریق گوناگون تلاش کردید که احزاب سیاسی سرتاسری ایرانی را حول یک برنامه سیاسی گرد آورده برای یک مبارزه جمعی علیه رژیم جنایتکار ولایت فقه ،، ولی به نتیجه ای نرسیده اید! دلیل کاملاً منطقی برای آن وجود دارد، و آن هم این واقعیت تلخ که هیچ نوع حزبی یا سازمان سراسری که دارای حداقل تشکیلاتی حتی به اندازه ی تعداد انگشتان دست وجود خارجی نه در داخل ایران و نه در خارج ندارد،، ((به غیر از سازمان مجاهدین خلق ایران و آن هم بیشتر در خارج کشور))

و با قبول این واقعیت که از لوسانجلس نمی شود انقلاب به داخل ایران صادر کرد و من تا حدی آگاهی دارم که شماها در کردستان دارای تشکیلات سازمان داده و منسجمی می باشید و پایگاه مردمی در بتن جامعه کردستان دارید و این سرمایه بسیار بزرگی است که با دادن هدینه های سنگینی بدست آمده ، و باتوجه به این واقعیت تلخ و هم زمان وحشتناک که احزاب و افرادهای مستقل به نامهای گوناگون از چپ ترین طیف تا راست ترین آنها تنها به دلیل کاملاً مشخص شیعیسم و شئونیستی آنها نه تنها ، از اقدام تاریخی و انقلابی و آزادی خواهانه شما پشتیبانی نکردند، بلکه بر علیه شما دو حزب با سابقه و مبارز که در

تمام دوران رژیم جنایتکار خمینی و خامنه ای، در خط مقدم جبهه برای ازادی همه مردم بوده اید، این چنین به بهانه‌های مختلف مورد حمله قرار گرفته اید، دیگر باید برای شما رهبران حدکا و کومله، مشخص و نمایان باشد که این شئون‌نیستهای قدرت طلب در جبهه شما و مردمی که حداقل بیش از یک قرن برای آزادی و رسیدن به جامعه‌ای سعادت‌مند در مبارزه بوده اند نیستند و نخواهند بود. به همین دلیل نیرو و انرژی و وقت خود را به جای صرف کردن، گرد هم آوردن احزاب سیاسی سرتاسری که وجود خارجی ندارند، صرف هر چه بیشتر سازماندهی تشکیلات خود هم در پایگاه‌های خود در کردستان جنوبی و هم در داخل کردستان شرقی نمائید، که این یگانه و تنها راه پیروزی ملیتهای تحت ستم و اشغال شده رژیم تهران می باشد. دوست و پشتی بان واقعی و ستراتژیک شما مردمان و احزاب آنها یعنی مردم آذربایجان؛ الهواز، بلوچستان ترکمن و غیره می باشد که هم اکنون د ملیتهای فدرال را تشکیل داده و حضور دارند، در تقویت هر چه بیشتر ان و به نزدیکتر شدن باهم و سازمان دهنده تشیلاتی باو حتی سازماندهی نظام با هم تلاش و کوشش کنید. عمیقاً امیدوارم که به مانند بسیاری تصور نکنید که رژیم شاه ولایتی فقه، قدرت را بر روی سینی گذاشته و به مردم تحویل خواهد داد هرگز. این تنها تفکر و اندیشه شئون‌نیستها و فوسیل‌های سیاسی نشسته در لوسانجلس ولندن و پاریس است با این توهم که به شیوه‌های مدنی یا اصلاحی طلبی می شود رژیم تا دندان مسلح؛ شاه فقه ای را به زباله دان تاریخ فرستاد، هرگز ممکن نیست!! هم‌طور که دکتر عبدالرحمان قاسملو بارها می گفت که ازادی هذینه دارد و نرخ ان را باید پرداخت.

۲ پیشنهاد کوچک ولی بسیار مهم در روند سیاسی ایران و کردستان!! با دانایی و آگاهی از این واقعیت که دشمن هم دست در دست نخواهد گذاشت و به حيله‌ها و ترفنها چه از طریق عوامل نفوذی خود و چه از طریق مزدوران رسمی بومی خود و یا با تقویت مستقیم و غیر مستقیم به گروه‌ها و سازمانهای دیگر، که همیشه این سیاست از طرف رژیم تهران علیه ملتیهای گوناگون دیگر بکار گرفته شده، و خودتان به خوبی از ان گاه می باشید. دو نکته بسیار مهم است که امیدوارم مورد توجه شما عزیزانم قرار گیرد.

محتوای و ضوابط و قرارداد هر اعلامیه صنفی سیاسی، دیپلوماسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را همیشه می توان تغییر داد برای مستحکمتر و مدرنتر و عملی تر و پر محتوا تر کردن آن! و این یک فرایند و تکامل و به پیش بردن هر چه

بیشتر موفاد هر اعلامیه ایی است • پیشنهاد می کنم !!

۱- در این اعلامیه گنجانده شود و تاکید شود که هرگونه حمله نضامی به یکی از امضاکننده (کنندگان) به مصابه حمله به تمامی اعضای امضای کننده گان می باشد، و اعضا مستلزم دفاع از هم با تمام امکانات موجود، سیاسی، نظامی و رسانه ای کند •

۲- هم اکنون پیشمرگه های مسلح جوان و تازه نفس که تشنه آزادی ملت شان هستند و در پایگاههای خودتان در کوردستان جنوبی آموزش، سیاسی و نظامی دیده اند و یا خواهند دید، و هم زمان هر دوی شما حدکا و کومله دارای کادرهای از موده و با تجربه هستید، بهترین فرست ممکن است که اقدام به تشکیل یک فرماندهی مشترک نظامی کرده و در نهایت و در فرایند تکامکی خود به ادغام همه پیشمرگها شود • با این اقدام هم از تجربه تاحدی باخوشایند کوردستان جنوبی فاصله می گیرید، هم اگر بر حسب احتمالات پیش بینی نشده خله ای در کردستان شرقی بوجود آمد، بهتر و آگاهانه تر از هرج و مرج جلوگیری کرد و امنیت کردستان را به دست پیشمرگان تامین کرد، و مهم تر از اینها مردمان کردستان را شاد و امیدوار کرده و همچنین دوستان راستین خود را،، و هم با این عمل انقلابی و شجاعانه و خلاق شئونیهتها و دشمنان کردستان و دیگر ملیتها را بیش از پیش افشا و از رده و نارحت می کنید •

واما دو خواهش و تمنا و تقاضا از شما رهبران حدکا و کومله !!!

عزیزانم شنیده ام که به زودی در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرده و به پاسخ دادن به سولات شئونیهتها و دیگر فوسیلها جواب خواهید داد،، دوستانم عزیزانم هرگز بر روی صندلی نشینید که شماها را به بازجویی کردن کشانده و شما را مستلزم جواب دادن کنند،، اگر گروهی یا شخصی بعد از ۳۳ سال، ان هم در اروپا و امریکا و کانادا، نداند و نه فهمد، و یا قبول نکند کلمه فدرالیسم و یا حق تعیین سرنوشت را!!! نه تنها با یک کونفرانس مطبوعاتی بلکه با هزارها کنفرانس هم نمی تواند فهمد و نه می خواهد بفهمد و درک کند، و اجازه بدهید که همچنان در ابله هی و بی خردی خود غوطه ور شود • از شماها صمینانه می خواهم از چنین کنفرانسی پرهیز کنید،،،،،،،،،،،، به نظر من این شما نمایندگان مردم کردستان هستید که از همان اشخاص بخواهید که شما را قانع و متقاعد کند و ثابت و به اثبات برساند که اسلا بودنتان در محدوده ایران چه نفع و چه برتریهایی دارد و چه

جامعه ای سعاتمندتر و خوشبختتری را به مردم کردستان پیشنهاد می کنند •
امیدوایم که خواهش و تقاضای مرا قبول کنید •

عزیزان من!! بیشتر شماها هم در مبارزه با شاه عاری از مهر و هم در مبارزه با
اخوندهای جنایتکار و ضد انسانی شرکت داشته و دارید، فکر نمی کنم ترسی از
شئونیهایی که در لباسها و رنگهای گوناگونی که وجود دارند داشته باشید • با در
نظر گرفتن وضعیت احزاب سراسری و با در نظر گرفتن وضعیت جهانی بطور عام
و وضعیت منطقه ای و مخصوصا کردستان خودمان بطور خاص؛ ایا وقت آن
نرسیده که به صراحت از مردم و دولتهای مردمی آنها در غرب به رهبری امریکا
تقاضای کمک کنید؟ هم اکنون ثلث شئونیهستی فارس قدرت طلب، ما ملت کرد
را چون همیشه عوامل بیگانه دانسته و می دانند، صدها مقاله در سایتهای
گوناگون و اضهارات دکترین و ثلث شئونیهستی فارس قدرت طلب در رسانه های
گرم زاده شاهزاده و دیگران همین اعلامیه شما را با تمام بی شرمی و نادانی و بی
خردی، از بیگانگان می دانند و شما رهبران حدکا و کومله این اتهامات را شنیده
اید و در طول تاریخ هم بوده • الان بهترین زمان تقاضای کمک بطور رسمی است
به طور قطع نه تنها دشمنان ملتمان زیادتر و بیشتر نمی شوند، بلکه شئونیهستها
را مجبور به نوشیدن جام ذهر کرده و این حق تعیین سرنوشت ملیتهای دیگر که
خواستی درست و مطابق حقوقی بین المللی می باشد،

با اجازه از شما، من به عنوان یک کرد تحت ستم به معنی واقعی کلمه!!
. دست مردم امریکا و رهبرانیشان و دیگر مردمان غرب از جمله فرانسه، انگلستان
و غیره را به گرمی می فشارم که کمک بزرگی بودند برای آزادی بخشی از خاکم،
• دست مردم امریکا و رهبرانیشان و دیگر مردمان غرب از جمله فرانسه، انگلستان
و غیره را به گرمی می فشارم؛ مردم افغانستان را زیر حکمت طالبان نجات داد.
• دست مردم امریکا و رهبرانیشان و دیگر مردمان غرب از جمله فرانسه، انگلستان
و غیره را به گرمی می فشارم، که زنان افغانستان که تا دیروز اجازه نداشتند که
چهار گوشه خانه بیرون بیایند، اکنون به تحصیل و خود آموزی و پرورده کردن خود
و فرزندان آینده مشغول می باشند،

• دست مردم امریکا و رهبرانیشان و دیگر مردمان غرب از جمله فرانسه، انگلستان
و غیره را به گرمی می فشارم، زمین فوتبالها مراکزی بودند برای اعدام و شلاق و
تجاوز دسته جمعی، اکنون به مرکز همان فوتبال شده و جوانان دختر و پسر به
بازی فوتبال می پردازند • بسیار جزئی هستند ولی در جامعه چون افغانستان

این دگرگونی بسیار بزرگتر و مهمتر از انقلاب اکتبر می باشد.
حال چپ نماها و بعضی از کسانی که خود را جمهوری خواه می نامند ولی بسیار
شئونیست و ضد انسانی هستند، هرگز از این تحول ژرف در جامعه چون
افغانستان نه تنها پشتیبانی نکرده بلکه هر روز به بهانه های گوناگون تظاهرات
۴۰- ۲۰ نفره علیه امریکا به راه می اندازند؟؟ ولی هرگز صدای انسانی آنها علیه
جنایات روسیه و چین هم بر ملتهای خود و هم دیگر ملتها از جمله قتل و عام
مردم چین و سوریه و بسیاری دیگر از جنایتها، بر نمی آید، به نظر من تنها به
دلیل شئونیستی فارسهای قدرت طلب از ترس از دادن تاج و عمامه های ایران و
توده ایهایی که هنوز گردوغبار روسیه و هنوز در این تفکر ابله هانه هستند که
پوتین روسیه شوروی را دوباره پایه گذاری می کند. به راستی جای تامل و تفکر
است.

بار دیگر به شماها تبریک گفته و ارزوی هر چه مستحکمترین نیروهای کردستانی را
دارم و ارزوی پیروزی و رهایی هر چه زودتر ملت مان.

با دروذهای فراوان به تمامی هواداران، اعضا و کادرها و رهبری حزب دمکرات
کردستان ایران و سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله.

سخنی با رسانه ها و روزه خوان های لوسانجلسی و اروپایی
فارسهای قدرت طشئونیست و فاشیست ب که در لانه های

خود، نشسته و قورباغه پرانی می کنند !!!

خانمها و آقایان، چپ نما، جمهوری خواهان، شاهزاده پرستان که اگر تنها به نام
بردن شما اتکا کنم شاید، روزها و هفته ها طول کشد، که حقیقتاً از ان متاسفم
همگی شماها یا خانوادگی، یا ۲ و ۳ و ۶ نفره هستید، ارزو داشتیم که حزبا و
سازمانهای بزرگتری و متشکل تری داشتید، چون اگر چنین بود این وضعیتی که
الان داریم بدون شک نمی داشتیم،،، ولی افسوس !!، چون از هر طیف شما دها و
صدها حزب و سازمان، افراد داری انواع و اقسام منشورهای رنگارنگ و عقابهایی
که چندین سال است که در راه پرواز به تهران هستند ولی به علت کمبود سوخت
هواییما در آسمان بین لوسانجلس و تهران پارک کرده اند، و یا ما هستیم های سکه
وقرس و سامسونگ فروش، که گویا با آویزان کردن پریم سه رنگ شیر و خورشید را
در این خیابان و یا ان خیابان !!، و یا وژنرالهای با ستاره و بی ستاره، و دکترانی
که قبلا در مجلس شاهنشاه عاری از مهر و انسایت، نشیمنگاهها را پر کرده بودید، و

با صدای رسا پشت بلندگوها سخن می فرمودند که حزب، رستاخیزی، تک حزبی نیست چون زیر نظر اعلیاحضرت می باشد؛ حال دارای صد نوع دکترا باشی، در برابر من و بسیاری دیگران در بهترین حالت سبب خنده می شوی و در حالت نزدیکتر ابله هانه و احمقانه، انگشت نما!!! حال با نام و نشانهای چنان دور و دراز و گاهی بسیار ترسناک که نکند امشب بروند تهران و کار را تمام کنید،.....

الان همگی به مظهر زیبایی، آزادی، دمکراسی، برابری، انساندوست تبدیل شده و چنان در راه آزادی و دمکراسی در راه هستید که هیچ ماشین مافوق صوتی هم به آزادی خواهی شما نمی رسد، چنان تئوریهای ابله هانه و بی خردانه از دهان و شیپورهای شبانه روزی شماها صادر می شود که در هیچیک از دانشگاههای امروزی دنیا پیدا شدنی نیست، مگر در خوברה های کوروشی و منشورهای که امام مهدیتان و امام زمانتان در جمرکان دارد با این چرندیات و ابله گویی نمی شود ملیتهای دیگر غیر فارس را ترساند و از آنها عبور کرد، و آقایان جامعه شناس و بیعت کرده با خامنه ای با این ترفنها نمی شود هم از اکثریت مردم گذشت و هم زمان رژیم شاهولایتی فقه را به زباله دان تاریخ انداخت!!!!!!!

به راستی کمی به فکر و اندیشه و تفکرات دوگانه و پاردوکس و ناهمگون و دور از هر نوع تفکر علمی، عقلانی، اخلاقی و تاریخی خود اندیشه ایی کرده اید؟؟؟ در کجای دنیا و یا مقطع تاریخ بشری را دیده اید و می شناسید، که مردمی رژیم سلطنتی را برانداخته باشد و بعد از سه دهه دوباره همان نوادگان سلطنتی بخواهند دوباره همان سلطنت را بر مردم تحمیل کنند؟؟؟؟ این همه از تمدن ۲۵۰۰ ساله و اراجیف گفتن و دروغ برای چیست؟؟ تمدن ۲۵۰۰ ساله تان درست است، یا قمه زنی و زنجیرزنی و سینه زنی؟؟ به جشنهای ۲۵۰۰ سالتان باور کنم یا سنگساری و آویزان کردن هر روزه مردم و وحشتناک تر از آن جمع شدن مردم برای این جنایتها؟؟؟ بدن شک می فرمایید اینها ایرانی نیستند!!!!

دریغ است که ایران ویران شود کنام پلنگان و ((شیران)) شود

حال چه مشکل و بدی و فاجعه ایی و وحشتی از این شیر دارید؟؟؟ و اگر دارید چراتا حد کشته شدن و کشتن دیگران می تازید، برای همان شیر بدنام و وحشتناک بر روی پارچه هایتان، آن هم با شمشیر، یعنی هم دندان تیز و پنجه هایش کافی نبوده و یک شمشیر هم به شیر بیچاره تحمیل کرده اید، ایا این

شمشیر برای قتل و عام ملت‌های دیگر یا برای استفاده کردن برای نوش جان کردن کباب کوبیده؟ این همه تناقض و پارادوکس از چیست؟؟ کمی به اینها

تفکر کنید نزدیک به ۴۰ سال قبل پدر بزرگتان فرمود،،، اسوده بخواب

کورش که ما بیداریم، من امروز می‌گویم که بیدار شوید و با دیگر ملت‌های دیگر آشتی کنید در غیر این اینصورت خیلی دیر می‌شود، و خود را ملت‌های دیگر برتر ندانید، البته اگر هنوز دیر نشده باشد.....

چندتا دعا از آفریدگارم!!!!

آفریدگارا تو را سپاس می‌گویم که به جای بنز و بام و و ساب و ولوو و فورد و فراری وووووووو به نوادگان کورش و داریوش و رضاخانها و امام‌های جمکران، گاری با اسب و قاطر و شتر ارزانی داشتی!!!!

آفریدگارا تو را با تمام وجودم سپاس می‌گذارم که به جای، کامپیوتر و جی پی اس و ای فون و ماهواره و ووووووو به نوادگان کورش و داریوش و رضاخانها و امام‌های جمکران، پسته و خرما و تخمه و ترشی و خیارشور را ارزانی داشتی، که تمام مردم امریکا و اروپا هم شکم‌هایشان باد کرده!!!!

آفریدگارا با تمام وجودم تو را سپاس می‌گذارم که به جای بوئینگ و ایرباس و اف ۱۴ و اف ۱۶ و اف ۱۸ و اف ۲۲ و آر اس ۱۷ و جاز و میراژ، مارس رو کنجکاو و وووو به نوادگان کورش و داریوش و رضاخانها و امام‌های جمکران، فرش‌های ابریشمی و قالیچه‌های پروازی بدون سوخت ارزانی داشتی!!!

آفریدگارا ترا سپاس می‌گذارم، که به جای کاپلر و ائنشتن و کانت و سوقرات و هوپکنز و ادمز و هولمز و دیوید البرت و و و و و و و و و و کتابهایشان،، به نوادگان کورش و داریوش و رضاخانها و امام‌های جمکران کوروشها و داریوشها و قاجاریان و رضا قلدورها و خمینی‌ها و خامنه‌ای‌ها و کتابهایشان چون شاهنامه و نهج البلاغه و و و و و و و و و و ارزانی داشتی، این لیست تمام شدنی نیست • دوباره سپاس می‌کنم آفریدگارم را که اگر چنین نبود و برعکس آن می‌بود،، این ابله‌هان و بی‌خردان چه بر سر مردم گیتی می‌آوردند؟؟؟؟ حتی تصور و فکر کردن به آن هم مرا به لرزه درمی‌آورد.....

سخن آخر!!!

اقایانی که بخاطر تجزیه نشدن ایران و وحشت از تجزیه ایران مقدس تان، و بخاطر نرسیدن ملیتهای دیگر غیر فارس به ازادی و حق تعیین شرنوشت،،، با درنده ترین و جنایتکارترین، رژیممی که دارای میلیونها پرونده چون سنگسار و اعدام و کهریزک و غیره دارد، بیعت می کنید؟؟؟ چطور می شود انسان عادی و با خرد برای تکه زمینی به این اندازه به عمق ذلت و رذالت و بدین اندازه ارزش انسانی را خود و کرامت خود را به قعر مرداب گندیده برد؟؟؟ براستی ایا شما ها دارای فرزند و مادر و برادر و خواهر هستید؟؟؟ آیا هیچ یک از این فرزندان و برادران و خواهرن خود را گرسنه دیده اید؟؟؟

بله آقایان، فرق من و شماها در این است که من نه تنها بخاطر تجزیه سرزمینم حال این زمین لعنتی ایران باشد یا کردستان یا امریکا یا مکه باشد یا کربلای و قم لعنتی،، هرگز و هرگز این چنان بیعتی رانمیکنم، بلکه ارز و می کنم که وجب به وجب ان سرزمین با بمبهای اتمی و ئیدروژنی اسرائیل و امریکا و غیره تکه تکه شده و سپس تکه ها را به اقیانوس منجمد شمالی انداخته که دیگر کهریزکی نباشد، یا اوینی نباشد، ارزومی کنم که این سرزمین تکه تکه شده و به همان اقیانوس انداخته شود، ولی مادری را نبینم که شاهد به خواب رفتن فرزند گرسنه اش بر بالینش باشد،، ارزودارم و ارزو می کنم این سرزمین لعنتی تکه تکه یکه شود ولی هیچ دختری بخاطر گرسنگی خود و گرسنگی فرزندش و غیره مجبور نباشد به ان طرف آبهای آن طرف کوها رفته و با ارزشترین ثروت انسانی خودرا که همانا شخصیت و ارزشی که هر انسانی برای خود دارد به فروش بگذارد •

ایا درک اینها را دارید شماهایی که بیعت می کنید با چنین جنایتکاران قرون وستایی و و و و فقط به خاطر خاک نا مقدستان ؟؟؟؟ برای بسیاری از ابله هان و احمقان و بی خردان که ایران را فقط و فقط تهران می دانند چون از زبان ابلهانی چون شما تمام ایران به مانند پاریس و نیویورک و برلین بوده هست ولی من چشمان کوری و نابینای داشتم و این همه زیبایی که پدر بزرگوار و عاری از مهر به مردم ارزانی داشته بود ندیده بودم !!!،

من شاهد جوشاندن اب و اضافه کردن زردچوبه به آن فقط برای تغییر رنگ اب که به خورد فرزندان گرسنه اش به جای ابگوشت داده و آنان را بخواباند بوده ام، شاید برای شما مذحک و خنده آور باشد،،،،، ولی اصل موضوع تغییری نمی کند، چون من خودم دیده ام و برایم پزیشی ارزش ندارد خنده شما را ببینم یا نه !! من شاهد ژاندارمهای شاهنشاه به درک رفته تان بوده ام که چگونه در دو طرف جنازهای

مسلخ شده به دست ساواک و سپس بسته شدن عریان جنازه ها به نردبان و قرار دادن آنها در وسط شهر برای ترس و وحشت مردم ایستاه و به مردم که گریه کنان رد می شدند و می خندیدند بوده ام،

من شاهد خندیدن پاسدهای نوادگان تمدن ۲۵۰۰ساله بودام که در شهرم با تیوتاهای وانتی ویراژ می دادند با جنازهای جوانان کرد دروانت هایشان! من شاهد اعدام ۵۹ جوان ۱۴-۱۷ ساله بوده ام بدست پاسداران امام مهدی که در چاه جمکران با مدفوع خودش غرق شده، بوده ام که چگونه بعد از اعدام نوجوانان در شهرم ویراژ داده و به مردم می خندیدند!!! اینها نه افسانه و نه فیلم وحشتناک هالیوودی است،،من و هزارها و صدها هزاران دیگر شاهد این جنایات بوده ایم . حال شما شاهزاده پرستان و بیعت کرده ها هر اراجیفی دوست دارید،از دهان گندیده هایتان به بیرون به پرانید .

برای من نه رنگ اب تغییر می کند، و نه از حجم آب ان کم و زیاد می شود و نه طعم ماهی هایش بدتر یا خوبتر یا بدبو یا خوش بو تر می شود، حال خلیج فارس یا خلیج عربی یا خلیج مکزیکی یا خلیج کرد یا خلیج شیطان یا خلیج ادم یا حوانام داشته باشد . آیا فهم و شعور و درک و درایت اینها را دارید؟؟؟؟؟؟؟؟ بگذارید شما را اسوده خاطر کنم به امید اینکه خواب بهتری داشته باشید از وحشت و ترس تجزیه ایران نامقدس و باستانی تان !!

دو راه بیشتر وجود ندارد حال ضحاک جماران باشید یا أضحاک زاده های شاهی!!!

راه اول ۱- حمله و قتل و عام حداقل ۱۰ میلیون انسان در کردستان شرقی که کمی مشکل به نظر می رسد که تمام این مردم را از بین ببرید، حتی از ادمخوارانی چون خمینی و خامنه ای و رضاقلدور،، متجاوزین و اشغالگران همیشه در اوایل تا حدودی به ارزوهای ضدانسانی خود می رسند، ولی ما کردها کوه‌هایی داریم که هرگز به ما خیانت نکرده و اگر فقط چند هزار نفر از این ۱۰ میلیون جان بدر کنند، بدون شک در اخر اشغالگران و متجاوزین را شکست داده و به بیرون انداخته می اندازند، با آگاهی به این واقعیت تاریخی که همیشه اشغال‌گران شکست خواهند خورد . و لی ان وقت دیگر زمین مقدسی برایتان نمی ماند که برایش بیعت کنید،

راه دوم ۲- جام زهر را نوشان جان فرموده و حق تعیین سرنوشت و حقوق ملی دیگر ملیتها را قبول کنید، که همه با حقوق و حق مساوی در کنار هم سرزمینی زیبا درست کنیم و به مانند یک اعضای یک خانواده در کنار هم و در صلح و آزادی خانه ای درست کنیم تا به آیندگان مان هدیه کنیم، می تواند امروز یا فردا داشته باشد ولی راه سومی وجود ندارد. این حکم تاریخ و تکامل و راز بقای جانداران از جمله آدمیان است و راه گریزی از آن نیست و شماها در لوسانجلس و جماران، بزرگتر قویتر ووووووووو از روسیه شوروی نیستید، و نخواهید شد به امید تغییر تفکر تمام ذنگ زده های شئونستی و فاشیستهای سرتاسر گیتی *

چند کلمه ای از خودم !!!

من خود را انسان دوست و عمیقاً معتقد به آزادی و برابری همه انسانها دارم در سرتاسر گیتی در هر شکل و رنگ و جنسی که باشند، من ارزو و خواب دورانی می کنم که گرسنه ای در جهان وجود نداشته باشد و هیچ جنگی بین مردمان وجود نداشته باشد، و دین و باورهای درونی مردمان آنها را از هم دور نکند، آرزو و روئیای و خواب من این است که روزی کلمه ای به نام پاسپورت و مرز وجود نداشته باشد و تمام جهان تعلق به همه باشد، می دانم من این روئیاها را نخواهم دید، ولی اطمینان و یقین صد در صدی دارم که این خوابها و روئیاها حتمی است علم و تکنیک این ارزوهای من را هموار می کند حال ۴ یا ۵ یا ۶ قرن دیگر نمی دانم *

چند نکته مهم برای کسانی که حوصله

خواندن این مطالب را داشته اند.

- ۱- از کلمه آوردن شهید و شهیدان پرهیز کردم چون به آن اعتقاد ندارم، طبق و براساس تعریف کلمه ای، شهید به کسانی گفته می شود و اطلاق می شود که در راه مذهبی که به آن اعتقاد دارند جنگیده و کشته شده باشند، ولی به نظر من هیچ یک از پیشمرگه ها و آزادی خواهان کردستان به دلیل اعتقادات مذهبی نه تنها جان خود را فدا نکرده اند، حتی برای لحظه ای هم به آن نه اندیشه اند *
- ۲- از شیعه و امان نام برده شده. منظور و مقصود، تنها و تنها قدرت داران تهران و قم بوده و هست، که به نام دین مردم را قتل و عام می کنند، من عمیقاً احترام بسیار زیادی به تمام ادیان مردم دارم از جمله مذهب شیعه.
- ۳- به همان شیوه از کلمه فارس سخن گفته شده، به همان شیوه منظور فقط و

فقط قدرتمدارن حاکم و بشخصی از ثلث جامعه بوده و است، حال رهبر کرد باشد یا آذری یا غیره ولی هژژمونی فارس را بر تمام ملیتهای دیگر تحمیل کرده .
۴- از کلمه های زشتی چون ، ابله ، بی خرد ، احمقان ، نام برده شده ، این کلمات دقیقاً همان کلماتی است که از رسانهای گوناگون شئونیستی علیه اعلامیه حدکا و کومله به رفته .

۵- تمامی اشاره ها به رسانها موجود در سایتهای مختلف و یوتوب موجود می باشد.

۶- به هیچ عنوان از هیچ کسی برای اشتباهات انشائی و املائی پوزشی نمی نمی طلبم چون زبان فارسی زبان مادری من نیست بلکه زبان چهارم من می باشد.

چه خوش گفت آن شاعر بی نام
و نشان که نه قم باشد نه مشهد و نه تهران
لعنت و نفرین بر هر چه شیخ و شاهان!
مرگ و نیستی بر تمام دیکیاتورهای جهان
مرگ و نیستی بر کثیفترین رژیم دنیارژیم آخوندی ایران
زنده باد مبارزه تمامی مردمان تحت ستم و آشغالگر قدرت طب فارس،
برقرار و مستحکمر باد اتحاد کرد و آذری و بلوچ و اعراب ترکمن و همه آزادگان و
انسان دوستان
سلام و سر نوازش به تمامی کسانی که در را آزادی ملتشان و سعادت و خوشبختی
انها جان باختگان و فدا کردند .

با سپاس فراوان اس ان ۱۳ اکتبر ۲۰۱۲